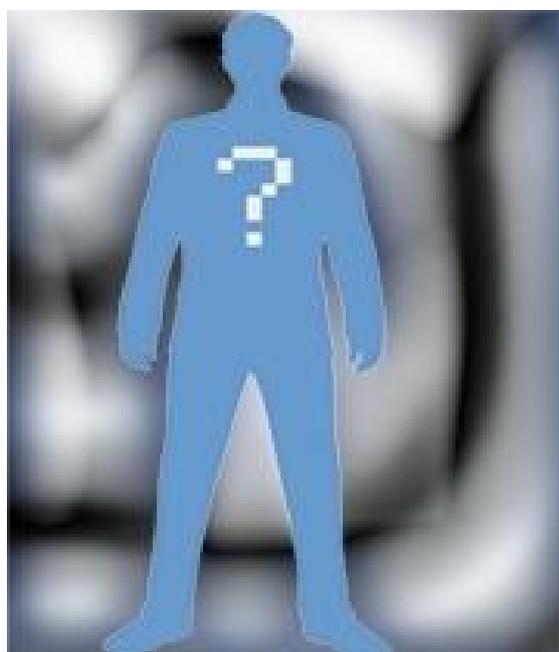


فصل نهم:

امیال مختلف دوران بلوغ و شیوه کنترل آنها



کنترل و تسلط بر میل جنسی

یکی از مباحث مهم و ضروری در تربیت جنسی پیش از ازدواج، شیوه‌های کنترل و تسلط بر غریزه‌ی جنسی است؛ ضمن تأکید بر اهمیت موضوع فوق، به مهمترین روش‌های کنترل میل جنسی اشاره می‌شود:

- روزه‌داری

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «ای گروه جوانان هر کدام از شما که قدرت ازدواج دارد، ازدواج کند و اگر برای وی مقدور نیست، روزه بگیرد؛ زیرا روزه شهوت جنسی را کنترل می‌کند» (صبور اردوبادی، ۱۳۶۷: ص ۱۰۸).

- ورزش‌های بدنی

ورزش‌های بدنی نظیر کوهنوردی، شنا و... نیز می‌توانند انسان را در مراقبت و تسلط بر این غریزه کمک کنند.

- رعایت حدود شرعی

رعایت قوانین شرعی، از جمله طریقه‌ی سخن گفتن زنان با مردان است که باید از جانب زنان مراعات شود؛ یعنی در تکلم و سخن‌گویی با مردان از خود نرمی و عشوه‌گری نشان ندهند و توجه مردان را به خود جلب نکنند؛ بلکه چنان با جدیت و قاطعیت سخن گویند که هیچ علامت دلربایی دیده نشود (کجیاف، ۱۳۸۱: ص ۱۶۰).

امام خمینی در تحریرالوسیله می‌فرماید: مکالمه زنان با مردان در صورتی که تهییج‌کننده باشد (با نرمی گفتار و نیکویی صدا) حرام است (خمینی، ۱۳۶۰: ص ۲۳۶).

مسأله‌ی دیگر، توقف نکردن زن و مرد نامحرم در محل خلوت است. امام خمینی در رساله احکام می‌فرماید: اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد و دیگری هم نتواند وارد شود، چنانچه بترسند که به حرام بیفتند، باید از آنجا بیرون بروند.

از مجموع آن چه به طور مختصر در بررسی کنترل میل جنسی مطرح شد، این نتیجه به دست می‌آید که کنترل نگاه و چشم، کنترل خیال و فکر، روزه‌داری، ورزش و در نهایت حفظ حریم زن و مرد و رعایت حدود شرعی، انسان را بر طغیان میل جنسی مسلط خواهد ساخت (کجیاف، ۱۳۸۱: ص ۱۰۶).

انحرافات جنسی

همان‌طور که پیش از این بیان شد، در دوره بلوغ، هویت جنسی از طریق تمایل به جنس مخالف شکل می‌گیرد و آمادگی برای ازدواج به وجود می‌آید؛ در صورتی که از طریق ازدواج به شیوه‌های صحیحی که بعد از این بیان خواهد شد، تمایلات جنسی ارضا شود، سلامت روانی پدید می‌آید؛ در غیر این صورت ممکن است به اختلال جنسی- روانی و در نهایت به انحراف جنسی بیانجامد.

روش‌های مختلفی در بررسی معیارها و تعریف «انحراف» یا «غیرعادی بودن» رفتار جنسی وجود دارد:

- روش آماری: بر اساس این معیار، رفتاری را که اکثریت جامعه انجام می‌دهند و مورد قبول آن‌ها است، رفتار عادی تلقی می‌شود و هر رفتار جنسی که کمیاب و نادر تحقق می‌پذیرد، انحراف جنسی محسوب می‌شود (Hyde، 1986: 458). روشن است که این معیار از انحراف نمی‌تواند صحیح و درست باشد؛ زیرا از یک طرف، برخی رفتارهای جنسی سالم در میان افراد به ندرت انجام می‌گیرد و نمی‌توان به آن انحراف گفت؛ از طرف دیگر چه بسا جامعه‌ای به یک انحراف جنسی مبتلا شود و همه‌گیر بودن آن رفتار، نمی‌تواند معیار سلامت باشد. متأسفانه این معیار، درباره‌ی کنش‌های روانی و اجتماعی انحراف‌های جنسی اشخاص، هیچ‌گونه اطلاعی را به انسان ارائه نمی‌دهد.

- روش جامعه‌شناختی: در این روش، مشکل وابستگی فرهنگی آشکارا روشن است. یک جامعه‌شناس، انحراف جنسی را شکستن قوانین اجتماعی می‌داند. بر اساس این معیار، تفاوت‌های فرهنگی باعث می‌شود که در هر جامعه‌ای نوع خاصی از رفتارهای جنسی انحراف شمرده شود که دست کم مخصوص همان جامعه است. چه بسا در جامعه یا فرهنگ خاصی، یک رفتار جنسی انحراف شمرده شود، ولی همان رفتار در جامعه‌ی دیگر عادی و طبیعی باشد.

- **روش روان شناختی جدید:** بر اساس این روش، یکسری معیارهای کلی وجود دارد که بر اساس آنها می‌توان انحراف جنسی را تشخیص داد. آرنولد باس [xvii] در کتاب آسیب‌شناسی روانی خود سه معیار برای تشخیص انحراف جنسی ارائه کرده است:

۱- فرد از انجام آن ناراحت و در رنج است.

۲- عدم کفایت

۳- عجیب و غریب بودن

انحراف جنسی از دیدگاه اسلام، به رفتارهای جنسی گفته می‌شود که خارج از حدود فطرت و توأم با نگرانی و اضطراب است. برخی از این انحرافات در متون اسلامی و دینی عبارتند از:

۱- زنا (آمیزش جنسی با غیر همسر مشروع خود)

۲- لواط (هم‌جنس‌گرایی مرد با مرد)

۳- سحاق (هم‌جنس‌گرایی زن با زن)

۴- آمیزش با محارم (مثل مادر، خواهر، ...)

۵- خودارضایی و خودتحریکی (استمنا)

۶- آمیزش با چهارپایان، حیوان خانگی (وطی بهایم)

۷- آمیزش با کودکان (کودک خواهی)

۸- دیاته (بی‌تفاوتی مرد هنگامی که همسرش با دیگری آمیزش می‌کند)

۹- قیاده و دلالی (واسطه‌گری نامشروع)

۱۰- مبدل پوشی (پوشیدن لباس‌های زنانه توسط مردان و برعکس)

۱۱- عریان‌گرایی (خودنمایی جنسی)

۱۲- چشم‌چرانی (نظربازی)

آثار هر یک از انحرافات جنسی در زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی انسان چنان آسیب‌رسان است که موجب اختلالات روحی و روانی خواهد شد. با بررسی آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام اثرات هر یک از موارد فوق را می‌توان شناخت. در این خصوص به بعضی از انواع انحرافات اشاره می‌شود:

الف - زنا

خداوند متعال در سوره اسری آیه ۳۲ می‌فرماید:

«و لا تقربوا الزنی اِنَّه کان فاحشه و ساء سبیلاً»

«به زنا نزدیک نشوید، زیرا کاری زشت و بد راهی است.» خداوند زنا را حرام کرده است و حرمت آن را در آیات بسیاری از سوره‌های مکی مانند فرقان و اسراء و سوره‌های مدنی مانند نور و ممتحنه تأکید کرده است.

به طور طبیعی، زنا آثار روانی خاصی را بر مرد و زن ایجاد خواهد کرد؛ از نظر روانی در هنگام عمل جنسی نامشروع میان مرد و زن، ترس و اضطراب وجود دارد؛ ترس از رسوایی در آینده و اضطراب نسبت به این‌که مرد پس از ارضای جنسی، زن را رها کند و همانند کالایی معیوب در جامعه باقی گذارد. ترس از این‌که هر دو مرتکب قانون‌شکنی شده‌اند و قانون آنان را مجازات خواهد کرد و به خصوص اگر اعتقاد دینی داشته باشند، علاوه بر ترس و اضطراب قانون‌شکنی، احساس گناه هم می‌کنند و دلیل آن پشیمانی مکرری است که در زمان گذشته و حال میان چنین افرادی دیده شده است. آثار زنا در فرزندان زنا نیز ایجاد می‌شود.

امام صادق علیه السلام درباره زنازادگان می‌فرماید: «این فرزندان به حرام تمایل دارند و قوانین دین را سبک می‌شمارند و در معاشرت بد اخلاق هستند.» (رک. فلسفی، ۱۳۴۲: ص ۱۴۵)

امام رضا علیه السلام در حدیث دیگری در خصوص علت حرمت زنا این‌گونه می‌فرماید:

«علت حرمت زنا، فساد اجتماعی و فردی و از بین رفتن پیوند ارث و قطع ریشه و نسب ارتباط‌های خانوادگی و رابطه پدر فرزندی است. زن زناکار نمی‌داند از نطفه کدام مرد باردار شده و فرزندش متعلق به کیست؟ زنازاده نمی‌داند پدرش کیست؟ پیوند خویشاوندی از بین می‌رود و قرابت شناخته‌شده‌ای نمی‌ماند.»

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، مسلمانان را از زنا برحذر داشته و آن را با شش ویژگی توصیف کرده است:

«ای مسلمانان، از زنا بپرهیزید؛ به درستی که در آن شش ویژگی وجود دارد: سه

خصوصیت در دنیا و سه خصوصیت در آخرت؛

اما آثار دنیوی آن عبارتند از:

- ۱- نور و روشنایی چشم را از بین می‌برد
- ۲- فقر را به دنبال دارد
- ۳- عمر را کوتاه می‌کند

و آثار آخرتی آن عبارتند از:

- ۱- سخت‌گیری در حساب اعمال در آخرت
- ۲- موجب غضب خدا می‌شود
- ۳- موجب جاوید ماندن در آتش جهنم خواهد شد. «

از پیامبر اسلام ﷺ روایت شده که فرمود: «وقتی که کسی زنا می‌کند، روح ایمان از او جدا می‌شود.» امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این سخن پیامبر فرمود: «قول خدای تعالی که فرمود: و آنان را به روحی از جانب خود تأیید نموده، همین روح است که (در اثر زنا) از او مفارقت خواهد کرد» (حر عاملی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۴، ص ۲۳۵).

یکی از آثار زنا، به عنوان کیفر اجتماعی زناکار این است که اسلام از ازدواج مؤمنان پاک با مرد یا زن زناکار منع فرموده است: «الزانی لاینکح الا زانیه او مشرکه و الزانیه لاینکحها الا زان او مشرک و حرم ذلك على المؤمنین.» (نور، ۳)

علامه طباطبایی ذیل آیه فوق می‌فرماید: «زناکار وقتی زنا یا او شهرت پیدا کرد و حد بر او جاری شد، ولی توبه نکرد، حرام است که با زن مسلمان و پاک ازدواج کند؛ بلکه باید با زن زناکار یا مشرک ازدواج کند و هم‌چنین است زن زناکار.» (طباطبایی، ۱۳۹۷ ق: ص ۸۰) این کیفر در واقع یک نوع طرد و اخراج از جامعه اسلامی است. در این زمینه احادیث فراوانی وجود دارد؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «با مرد و زنی که به زنا مشهور است، ازدواج نکنید؛ مگر این که بدانید توبه کرده‌اند.» (فلسفی، ۱۳۴۸: ص ۱۵۱)

ب - هم جنس خواهی

یکی دیگر از انحرافات جنسی، آمیزش با هم جنس است. چنین آمیزشی برخلاف فطرت انسانی است. در خلقت و آفرینش طبیعی و فطری، مرد برای زن و زن برای مرد آفریده شده است. همان طور که قرآن کریم می فرماید: «هِنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ» (بقره، ۱۸۷) زنان برای مردان، مایه تقوی و مردان هم برای زنان، لباس تقوی هستند که با ازدواج یکدیگر را از گناه باز می دارند و به کمال می رسانند.

خداوند در قرآن کریم خطاب به مردان قوم لوط که گرایش هم جنس خواهی داشتند می فرماید: «أَيَا أَيُّهَا الْمَرءُ الْفَاسِقُ، بَا مَرْدَانِ آمِيزْشِ مِی کُنید وَ هَمْسِرَانْتَانِ رَا کِه خُدا بَرای شِما آفَریده اسْت، رِها مِی کُنید؟ بَلْکِه شِما گِروهِی تِجَاوُز کَار هَسْتید.» (شعرا، ۱۶۶-۱۶۵)

قرآن هم جنس خواهی را تجاوز از فطرت و خلقت طبیعی معرفی کرده است: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ»، یعنی شما مردمی هستید که از حد و مرزی که فطرت و خلقت برایتان ترسیم کرده است، تجاوز می کنید.

علت تحریم رابطه جنسی مردان با یکدیگر و زنان با هم، در سخن حضرت امام رضا علیه السلام چنین آمده است: «علت تحریم لواط و سحاق، به خاطر آن چیزی است که در زنان ترکیب شده و آن چه در طبیعت مردان وجود دارد و به خاطر آناری که در آمیزش مردان با هم و زنان با یکدیگر وجود دارد و آن ها عبارتند از: ۱- انقطاع نسل ۲- به هم خوردن تدبیر و نظم زندگی اجتماعی ۳- ویرانی دنیا» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۴، ص ۲۵۱)

با عمل هم جنس گرایی که نظام طبیعی زوجیت را خدشه دار کرده است، بقای نوع بشر به خطر می افتد، تدبیر و برنامه ریزی نظام اجتماعی مختل شده و نابسامانی دنیا را فرا می گیرد.

ج - استمنا

استمنا به این معنی است که فرد در رابطه جنسی با خود، کاری کند که منی از وی خارج شود. خودارضایی هنگامی رخ می دهد که فرد به قصد انزال منی و لذت جنسی خود را تحریک می کند تا به اوج لذت برسد. از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «استمنا و گناه آن چیست؟» فرمود: «گناهی بزرگ است و خداوند در کتاب خود از این عمل انسان ها را نهی فرموده است. کسی که به چنین عملی دست می زند، گویی با خود ازدواج کرده است؛ اگر از کار وی آگاه می شدم با وی غذا نمی خوردم.» سؤال کننده گفت: «ای فرزند رسول خدا، مأخذ این سخن را که فرمودید از

کتاب خداست، برای من بیان کن.» امام فرمود: «فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون» (مؤمنون، ۷؛ معارج، ۳۱)، «کسانی که بیرون از آنچه گفته شد، طلب کنند از حد تجاوز کرده‌اند.» سپس چنین ادامه دادند: «و استمنا خارج از این محدوده است.»

آثار جسمی و روانی استمنا زیانبار است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- تحریک زیاد هیپوتالاموس و در نتیجه تحریک افراطی غدد جنسی که سبب پرکاری نامتناسب آنها می‌شود و بلوغ زودرس را به دنبال دارد.
- ۲- کاهش و تخلیه مکرر قوای جسمی و روحی که به ضعف عمومی بدن و بالاخره پیری زودرس می‌انجامد.
- ۳- به علت افزایش جریان خون در اعضای تناسلی، مغز و مراکز حساس دیگر، پیوسته دچار کاهش نسبی جریان خون می‌شود.
- ۴- رکود فکری، اختلال و ضعف حافظه و کاهش اراده در کسانی که استمنا می‌کنند، دیده می‌شود.
- ۵- ضعف بینایی و بی‌اشتهایی و در صورت افراط، ضعف استخوانی و ناراحتی‌های مفصلی در این افراد شایع است.
- ۶- فرد از نظر فکری نوعی توجه نسبتاً مداوم به موضوع‌های جنسی پیدا می‌کند که این امر مانع تفکر آزاد وی می‌شود.
- ۷- در مراحل افراطی به ضعف جنسی و انزال زودرس منجر می‌شود.
- ۸- به علت ارضای ناقص و غیرطبیعی، بعد از ازدواج غالباً در امور زناشویی با مشکل مواجه می‌شوند.
- ۹- گوشه‌گیری، یأس و بی‌تفاوتی نسبت به مسایل مهم و حیاتی، غم و کدورت روانی از عوارض دیگر آن است.
- ۱۰- در موارد شدید خود آزاری ایجاد شده و فرد از آزار رساندن به خود لذت می‌برد (صبور اردوبادی، ۱۳۶۷: ص ۱۲۴).
- ۱۱- فقدان انرژی و سستی عمومی بدن
- ۱۲- تضعیف سیستم عصبی بدن
- ۱۳- کاهش رشد عمومی بدن

۱۴- ضعیف شدن یا ضعف سیستم مجاری ادراری

۱۵- زردی و رنگ پریدگی چهره (که اغلب با ظهور حلقه‌های سیاه در اطراف چشم همراه است)

۱۶- بروز جوش و کورک روی چهره

۱۷- ضعف حافظه و دشواری در مطالعات خصوصاً در درس خواندن

البته این علائم در افرادی مشاهده می‌گردد که به شدت مبتلا به این عمل هستند. هر چند که انجام اندک این عمل نیز عوارض خاص خود را دارد. با توجه به تحقیقات صورت گرفته، بسیاری از پسران در دوره‌های متوالی تصمیم به ترک این عادت می‌گیرند و به شدت دچار پشیمانی و ندامت خواهند شد اما مجدداً این نوع اعمال را تکرار می‌کنند و این دوره تسلسل همچنان باعث ایجاد مشکل می‌شود. اما با توجه به فرهنگ جامعه خودمان احساس گناه، نقش مهمی را بعد از انجام این عمل ایفا می‌کند تا جایی که بسیار مشاهده شده است که نوجوان به علت این اقدام نمی‌تواند خود را ببخشد و حتی از خویشان متنفر می‌شود. مبتلایان قبل از ارتکاب عمل خود احساس تشویش و نگرانی می‌کنند و آنگاه برای تسکین به طور موقت دست به دامان خودارضایی می‌شوند. پس از انجام این عمل، رخوتی در آنان ایجاد می‌شود که ممکن است به خواب نسبتاً عمیقی فرو روند و آرامشی نسبی برایشان حاصل شود، پس از آن به فکر عواقب و یا گناه می‌افتند و از نو دچار تشویش می‌شوند.

د- مبدل پوشی

یکی دیگر از انحراف‌های جنسی این است که مردان پوششی زنانه و زنان پوششی مردانه داشته باشند. چنین انحرافی با اختلال هویت جنسی ارتباط دارد؛ یعنی مرد احساس مردانه ندارد و زن در واقع خود را زن نمی‌شناسد یا حداقل احساس خوشایندی از جنسیت خود ندارد و از این جهت لباس جنس مخالف را می‌پوشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «*از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: خدا لعنت کند مردانی را که خود را شبیه زنان می‌سازند و زنانی که خود را به مردان همانند می‌کنند.*»

با تأمل در روایت فوق روشن می‌شود که مردان و زنان باید متناسب با دین و عرف، سنت و محیط اجتماعی، لباس متناسب خود را بپوشند و اگر کسی لباس جنس مخالف را می‌پوشد، ناشی از نقص‌ها و کمبودهایی است که در جنسیت خود می‌یابد. نگرش او به خودش نادرست است و باید اصلاح شود.

و - عریان‌گرایی

اسلام به حجاب زن و مرد توجه خاصی نموده و مردان و زنان را موظف نموده است که عورت خود را از نامحرم بپوشانند و تنها مورد استثنا، زن و شوهر است که می‌توانند اندام جنسی یکدیگر را ببینند. هیچ مرد و زن نامحرمی از نظر اسلام مجاز نیستند که اندام جنسی یا حتی زیبایی‌های ظاهری خود را در معرض تماشای دیگری بگذارند؛ مگر در موارد خاصی که به سبب رابطه خویشاوندی به میزان معینی مجاز می‌شوند. با توجه به ضرورت حجاب در اسلام، نه تنها عریان‌گرایی، بلکه هر گونه بی‌حجابی هم نهی شده است.

ه - چشم‌چرانی

همان‌طور که پیش از این مطرح شد، اسلام به منظور پیشگیری از انحراف جنسی، به مردان و زنان مؤمن دستور می‌دهد که نگاه خود را از نامحرم فرو پوشند. کسانی که از امر خدا تجاوز کرده و به طور مکرر نگاه شهوت‌آلود به زنان می‌نمایند، مرتکب حرام شده و منحرف جنسی شناخته می‌شوند. خداوند متعال می‌فرماید: «ی پیامبر به مؤمنان بگو چشمهایشان را فروپوشانند و دامن خویش را محافظت کنند. این برای آنان به پاکی نزدیکتر است. خدا به آنچه مؤمنان انجام می‌دهند، آگاه است و به زنان مؤمن نیز بگو که چشمان خویش را از مردان نامحرم بپوشانند.» (نور، ۳۱-۳۰)

منظور از کنترل نگاه، همان‌طور که از معنی واژه «غض نظر» در آیه برمی‌آید، فرو پوشاندن چشم و ادامه ندادن نگاه است. در حدیثی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، چنین آمده است: «نخستین نگاه اشکال ندارد؛ اما نگاه دوم به زیان توست و نه به نفع تو و در نگاه سوم هلاکت است.» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۴، باب ۱۰۴، ح ۸)

از سوی دیگر، در پاداش کسی که نگاه خود را از حرام باز دارد، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه کسی به زنی نگاه کند، سپس سر به سوی آسمان بلند کند یا چشم بپوشاند، پیش از آن که نگاهش باز گردد، خداوند از زنان بهشتی او را تزویج خواهد کرد.» (همان) در این حدیث، کنترل نگاه با برگرداندن آن به سوی چیزی است که انسان را به یاد خدا بیندازد یا دست کم از موضوع مورد توجه بکاهد. در عروه الوثقی، راجع به نگاه مرد و زن نامحرم به یکدیگر آمده است که جایز نیست مرد به زن بیگانه (نامحرم) نگاه کند و هم‌چنین نگاه زن به

مرد اجنبی نیز جایز نیست؛ مگر برای ضرورت (از قبیل تشخیص بیماری و درمان) آن هم با شرایط خاصی که در عروه الوثقی ذکر شده است (رک. یزدی، ۱۴۰۹ق: ص ۸۰۵).

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «نگاه مرد به صورت و دو دست زن تا مچ، بدون قصد لذت برای بار اول جایز است؛ ولی تکرار آن جایز نیست.» (امام خمینی، ۱۳۹۰ ق: ج ۲، ص ۲۴۳)

از آن جا که انحرافات جنسی دیگر، از قبیل حیوان‌خواهی (وطی بهایم)، کودک‌خواهی، دیاته، قیاده و زنا با محارم نسبت به دیگر انحرافات از فراوانی کمتری در جامعه برخوردار است، از توضیح آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.

علل انحرافات جنسی (به ویژه خودارضایی)

۱- تغذیه فکری نوجوان: این تغذیه شامل جوّی است که نوجوان در آن قرار دارد و شامل دوستان، محیط زندگی فرد، فیلمها، کتابها و عکسهایی است که فرد با آنها سرو کار دارد. مسلماً یک نوجوان و یا جوانی که تازه در حال ادامه تحصیل و تعیین شغلی مناسب برای آینده است شرایط مناسب برای ازدواج را ندارد بنابراین قرار گرفتن این دسته از افراد در معرض تحریک‌کننده‌های جنسی از علل اصلی بروز و شدت یافتن این عادت است.

۲- دیدن و شنیدن: دیدن عکسها، پوسترها، فیلمهای نامناسب، استفاده نا مناسب از ماهواره، استماع فحش‌های رکیک، لطیفه‌ها، طنزها و شوخی‌های زننده در خانه، اجتماع و مدرسه سبب تحریک نوجوانان در این زمینه می‌شود.

۳- عوامل روانی: برخی عوامل روانی مانند ترس و هیجان، اضطراب و تشویش، خشم و غضب، طرد و تحقیق، زیادی محبت و... در بعضی از موارد باعث بروز این عادت می‌گردد.

۴- عدم مدیریت ذهن: مسلماً افکار جنسی بخش جدایی ناپذیر افکار افراد به خصوص نوجوانان را تشکیل می‌دهد. ناتوانی افراد در کنترل ذهن و عدم مهارت در فیلتر کردن افکار نامناسب، در بروز و شدت یافتن خود ارضایی نقش به سزایی دارد.

نوجوان باید به محض بیدار شدن از خواب از رختخواب جدا شده و یک دوش آب گرم گرفته و به تمرینات ورزشی و نرمش‌های بدنی و... استمرار داشته باشد.

۵- کنجاوی هدایت نشده: یکی از علل مؤثر در ابتلای نوجوانان به «کامجویی بدلی»، در کنجاوی‌های هدایت نشده‌ی آنان در دوران کودکی نهفته است. اگر به این مسئله، عدم مراقبت خانواده‌ها را در زمینه‌ی برخورد مناسب بیفزاییم، به رابطه‌ی علت و معلولی بین این دو نیز پی خواهیم برد. کودکان بر اساس غریزه‌ی کنجاوی خویش به همه‌ی چیزهایی که

موضوعیت دارد و پیرامون آنهاست، علاقمند می‌شوند که تقریباً یا از آنها اطلاعی ندارند و یا دانش آنها در آن زمینه‌ها اندک است.

کنجکاوی کودکان اگر به طریق صحیح هدایت شود، پایه‌های اولیه ساختمان معرفت و دانش را بنا می‌کند و چنانچه این غریزه‌ی پرقدرت با بی‌قیدی و بی‌مسئولیتی والدین و اطرافیان، مواجه گردد به مسیرهای نامطلوبی منجر خواهد گردید چون غالباً کودک براساس تشخیص خود عمل می‌کند که نتیجه‌ی آن همیشه مقرون به صحت و سلامت نخواهد بود. اما به تدریج که کودک متوجه محیط و طبیعت می‌شود به نوعی شناخت دست می‌یابد و پس از آن به طور طبیعی متوجه بدن خود می‌شود و آن را هدف کنجکاوی خود قرار می‌دهد و به واریسی اندام می‌پردازد.

اندام‌های جنسی نیز یکی از دستگاههای بدن است که مورد بررسی و مطالعه‌ی کودک قرار می‌گیرد، به ویژه از این جهت که تماس با آن موجب نوعی لذت و ارضای خاطر می‌گردد، کودک به مرور مشغول دستکاری آن می‌شود و لذت حاصله از آن، او را به ادامه‌ی کار تشویق می‌نماید؛ به گونه‌ای که در برخی موارد والدین او را درحین بازی با آلت تناسلی مشاهده می‌نمایند.

بازداشتن کودک از این عمل با ملایمت و برخورد مؤثر تربیتی اولین اقدام قاطعی است که باید به عمل آورد. معطوف نمودن او به بازیهای پرنشاط و فعال نمودن دست و اندیشه‌ی کودک با کارهای دستی و هنری و بالاخره کودک را از نظرها دور نداشتن، برای اعمال مراقبت، گامهای دیگری است که در این زمینه باید برداشته شود.

لازم به یادآوری است چنانچه این عمل دور از چشمان والدین انجام گیرد و یا با اطلاع آنها ولی همراه با بی‌تفاوتی باشد، زمینه ساز ابتلای نوجوان به خودارضایی در دوران قبل از بلوغ و هنگام بلوغ خواهد بود.

۶- ناآگاهی و بی‌خبری نوجوانان به لحاظ محدودیت تجربه و اطلاع از مسایل، در موقعیتی قرار دارند که به طور طبیعی امکان خطاها و لغزشهایشان بیش از بزرگترها است و این مهم بر عهده‌ی اطرافیان، والدین و محیط اجتماعی است که به مرور زمان نوجوانان را با مسایل ویژه هر مرحله‌ی سنی و مقتضیات آن آشنا سازند، از جمله، آنها چندان اطلاعی از ماهیت و چگونگی عملکرد غریزه‌ی جنسی ندارند و به مجرد اولین نعوظ و نخستین انزال، به یک تجربه‌ی ابتدایی از لذت جنسی دست می‌یابند و خاطره‌ی مطبوعی را در این زمینه به دست

می‌آورند و برای تجدید آن خاطره، ابتکار عمل را به دست می‌گیرند و با تحریک خود، به آن لذت نایل می‌شوند.

بی‌خبری و غفلت نوجوان، منجر به این می‌شود که او براساس عامل «لذت آنی» به ادامه‌ی این عمل مبادرت نماید. تنها انگیزه و عامل تداوم «خودارضایی» در این مرحله «کسب لذت» به سهل‌ترین و فوری‌ترین شیوه است. عنصر آگاهی و اطلاع از نتایج و تبعات مسئله نیز مفقود است و والدین غافل‌تر از نوجوانان، سرگرم اشتغالات خود هستند.

چه بسا، والدینی که نسبت به کوچکترین تظاهرات بیماری فرزندانشان خود از قبیل سرماخوردگی و یا بی‌اشتهایی او حساس می‌شوند و در فکر چاره هستند، لکن نسبت به تظاهرات «خودارضایی» و علایم کامجویی از خود، در فرزندانشان، دچار «بی‌حسی» و اختلال در توجه و دقت هستند. در نمونه‌نامه‌های ذکر شده، بزرگترین عاملی که به عنوان عامل توسعه خودارضایی ذکر شده بود جهل و غفلت والدین در این زمینه بود. والدینی که حاضر نشده بودند در این امر حیاتی با فرزندانشان خود به گفتگو بنشینند و در صورت مشاهده‌ی برخی از علایم، آنها را نسبت به پیامدهای خودارضایی آگاه کنند و ایشان را برحذر دارند. لذا بی‌خبری نوجوان به ناآگاهی و غفلت والدین پیوند می‌خورد و دور باطلی را به وجود می‌آورد که حاصل آن تباه شدن جسم و جان نوجوان است.

۷- انزوا: برخی از روان‌شناسان «خودارضایی» را «مرض تنهایی» نام نهاده‌اند.

تنهایی به چندجهت می‌تواند زمینه ساز خودارضایی باشد:

از سویی، تنهایی به مفهوم در هم شکستن پیوندهای ارتباطی با دیگران، جامعه و اطرافیان است. پیوندهایی که بخشی از اوقات ما را پر می‌کنند و تجربیات اجتماعی مناسبی را برای ما فراهم می‌نمایند و روح را غنی و سرشار می‌سازند. کسانی که در تنهایی مداوم به سر می‌برند، از تجربیات مورد نظر محرومند و در برخوردهای اجتماعی با کفایت عمل نمی‌کنند و این مسئله نوجوانان را از ظاهر شدن در صحنه‌های اجتماعی برحذر می‌دارد و به نوبه‌ی خود تنهایی و انزوا را عمیق‌تر و ریشه دارتر می‌نماید.

از دیگرسو، تنهایی، روح نوجوان را ضعیف و حساس می‌کند و نیروی اراده را تحلیل می‌برد. لذا با جمع بندی آنچه ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که تنهایی:

الف - اراده و نیروی فعال نوجوان را تضعیف می‌کند.

ب - فرصت‌های اجتماعی را که بخش قابل توجه زندگی نوجوان را تأمین و اشغال می‌کند، از او می‌گیرد.

ج - بر اثر محرومیت‌های اجتماعی (ناشی از تنهایی) نوجوان به زندگی درونی و ارتباط مداوم به خود، روی می‌آورد.

د- بر اثر گسیختن علائق و ذوقیات مطلوب، نوجوان ناچار به «کسب لذت از خود» روی می‌آورد.

و - نیروی ارادی که می‌توانست مانع گرایش‌های جنسی خودارضا کننده گردد ناتوان شده و لذا نوجوان، مقاومتی در خود، برای غلبه بر این گرایشها احساس نمی‌کند.

ه - و بالاخره «تنهایی» به منزله‌ی حصار است که نوجوان به دور خود می‌کشد. در این صورت علایم هشداردهنده‌ای که اطرافیان بتوانند از طریق آنها به مشکل فرد (نوجوان) پی ببرند، کمتر به داخل این حصار محکم نفوذ می‌کند و لذا به توسعه و گسترش مسئله دامن می‌زند.

۸- خانواده‌ی آسیب‌زا: نقش خانواده در سلامت «حیات جنسی» فرزندان، از سایر عوامل چشمگیرتر و حساس‌تر است. رعایت موازین اخلاقی و تربیتی در روابط فیما بین والدین، به ویژه در رابطه با زناشویی به عنوان عامل زیربنایی قابل توجه است و در مرحله‌ی بعدی کیفیت روابط با فرزندان خود، حائز اهمیت ویژه‌ای است. والدین به لحاظ عشق و علاقه، اظهار محبت و نوازش و به ویژه روابط زناشویی، وظایف حساس و تعیین کننده‌ای دارند.

اولین گام در زمینه‌ی چگونگی رابطه‌ی جنسی بین پدر و مادر است. در برخی از احادیث آمده است که باید والدین حتی از انجام آمیزش با یکدیگر، در حالی که کودکی خردسال در آن مکان به خواب رفته است، پرهیز نمایند. چرا که فرزند متوجه والدین در این حالت می‌شود و مستعد گرایش به مسایل انحراف آمیز جنسی می‌گردد و یا در قرآن کریم در زمینه‌ی اجازه ورود گرفتن اطفال از والدین برای ورود به اتاق آن در سه نوبت تأکید شده و می‌توان گفت تلویحاً جدا نمودن محل خواب والدین از محل خواب فرزندان مورد تأکید قرار گرفته است که این موضوع به جهت حفظ سلامت جنسی فرزندان، بسیار ضروری است. در غیر این صورت چه بسا فرزندان، شاهد آمیزش والدین خواهند بود و این امر تأثیر و پیامدهای خطرناک و جبران ناپذیری بر اخلاق و سلامت روانی آنان خواهد داشت.

خانواده‌ی آسیب‌زا، از سویی با عدم محافظت اخلاقی از روابط زناشویی بین خود، به احساسات ملتهب و پر قدرت بلوغ دامن می‌زنند و آنها را برحسب تحریم غریزه‌ی جنسی، به «خودارضایی» و سایر انحرافات سوق می‌دهند و از سوی دیگر با عدم رعایت وظایف اخلاقی و الهی خود، در قبال فرزندان، به رابطه‌ی معیوب و نامطلوبی شکل می‌دهند.

کم نیستند والدینی که فرزندان نوجوان را در آغوش می‌فشارند و یا با بوسیدن آنها به شکل نامناسب، آنها را تحریک می‌کنند و یا مادران جوانی که پسران نسبتاً نوبالغ خود را با خود به حمام می‌برند و یا سایر والدینی که بستر خواب فرزندان نوجوان و بالغ خود را هنوز از یکدیگر جدا نکرده‌اند.

در این زمینه به چند حدیث از معصومین و پیشوایان بزرگ الهی اشاره می‌کنیم که در بعضی حتی از بوسیدن کودکان در سنین مورد اشاره منع به عمل آمده است:

در خصوص بوسیدن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

دختر بچه شش ساله را، پسر بچه نبوسد. همچنین زنها از بوسیدن پسر بچه‌ای که سنش از هفت سال تجاوز کرده است، خودداری کنند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

وقتی دختر بچه، شش ساله شد مرد نامحرم حق ندارد او را ببوسد. همچنین نمی‌تواند او را در آغوش بگیرد.

امام صادق علیه السلام نیز متذکر می‌شوند که:

وقتی دختر بچه به سن شش سالگی رسید برای تو شایسته نیست او را ببوسی.

در خصوص لمس کردن نیز حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

دستمالی کردن مادر به آلت دختر بچه‌ی شش ساله‌ی خود، یک قسم زنا محسوب می‌شود.

و امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اگر مادری بدنش را به بدن دختر شش ساله‌ای بمالد، مرتکب نوعی زنا شده است.

در زمینه جدا کردن بستر خواب کودکان، پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

بستر خواب پسر بچه با پسر بچه و پسر بچه با دختر بچه و دختر بچه با دختر بچه، در سن

ده سالگی باید از هم جدا شود.

موقعی که فرزندان شما هفت ساله شدند، بستر خوابشان را از هم جدا کنید.

به خدا قسم اگر مردی با همسر خود بیامیزد و در اتاق کودک بیداری آن دو را در حال آمیزش ببیند، سخنان آنها و همچنین صدای تنفسشان را بشنود، آن طفل هرگز رستگار نخواهد شد. اگر دختر باشد یا پسر، سرانجام به زناکاری آلوده می‌شود.

امام باقر علیه السلام نیز در این خصوص می‌فرماید:

بایستی بستر خواب پسر بچه‌ی ده ساله را از زنها جدا کنید.

پسر چون زده در گذشتش سنین
 بر پنبه آتش نشاید فروخت
 ز نامحرمان گو فراتر نشین
 که تا چشم برهم زنی خانه سوخت
 امام باقر علیه السلام می فرماید:

بپرهیز از (روابط ویژه) درجایی که کودک ممیزی تو را می بیند و رفتارت را آنچنان
 درک می کند که قادر است به خوبی برای دیگران توصیف و تشریح نماید.
 امام صادق علیه السلام می فرماید:

موقعی که در اتاق، کودکی حضور دارد، مردان با زنان یا کنیزان خود نیامیزند. زیرا
 این عمل، طفل را به راه بی عفتی و زناکاری سوق می دهد.

خانواده‌ها مسئولیت زیادی در قبال حفاظت اخلاقی فرزندان خود دارند و این مسئولیت
 در سنین بلوغ مضاعف می شود، ولی از حیث این که دختران نسبت به پسران آسیب پذیرترند و
 بیشتر در معرض سوءاستفاده و به انحراف کشیده شدن قرار دارند، به ویژه خانواده‌های دختردار
 بیشتر باید از جهت مراقبت و نگهداری، به موضوع اهمیت بدهند و به حسن رابطه خود با
 نوجوانان در این دوره واقف باشند.

۹- دوستی‌های آلوده و مشکوک نفوذپذیری نوجوانان از دوستان و همسالان بیش از
 سایر گروه‌ها است؛ یعنی نوجوانان از همسن و سالان خویش بیشتر تأثیر می پذیرند و به رنگ آنها
 درمی آیند تا دیگران و همچنین خلق و خوی دوستان خویش را برای خود الگو قرار می دهند.
 در سنین بلوغ، نجواها و صحبت‌های آهسته و درگوشی بین نوجوانان بیشتر می شود و محور این
 گفتگوها، غالباً مسایل جنسی است که به صورت مخفیانه و دور از نظارت بزرگترها طرح
 می شود. نوجوانان به تبادل اطلاعات جنسی با یکدیگر می پردازند و از خود حرص و ولع خاصی
 در این باب نشان می دهند.

یکی از مواردی که نوجوان به ناچار اطلاعات مربوط به بلوغ و مسایل جنسی خود را از
 کانالهای نامطمئن و مشکوک کسب می نماید، این است که والدین گفتگوهای ضروری مربوط
 به بلوغ را با فرزندانشان انجام نمی دهند و هاله‌ای از ابهام و اسرار مخفی بر این منطقه از
 دانستی‌های نوجوان، پیوسته سایه افکنده است.

چنانچه خانواده‌ها و مربیان از جنبه‌ی مسایل ضروری بلوغ، نوجوانان را مطلع نمایند و
 اطلاعات لازم را به گونه‌ای صحیح و مناسب در اختیارشان قرار دهند، دیگر نیازی به سوق
 یافتن نوجوان به دوستان و همسالان برای کسب این گونه اطلاعات احساس نمی شود.

نوجوان بیش از حد به دوستانشان اعتماد دارند و با نوعی ساده اندیشی و اطمینان کامل با رفقا و معاشران خود مرتبط می‌شوند و این سرآغاز و زنگ خطری برای به انحراف کشیده شدن آنها محسوب می‌شود.

علاوه بر آگاهی بخشیدن نسبت به ضروریات بلوغ، باید خانواده‌ها و مربیان در زمینه‌ی دوستی‌ها، معیارهای انتخاب دوست خوب و خطرات ناشی از معاشرت‌های آلوده و ناباب، با نوجوانان به گفتگو بنشینند و ذهن آنها را به شیوه‌ی مناسبی جهت و آگاهی بخشند.

عوامل زیر در انحراف بعضی از نوجوانان تأثیر دارند:

الف - دوستی ناباب و مشکوک با فردی دیگر، به ویژه با شخصی بزرگتر از خود. در بیشتر موارد، دوست ناباب و بزرگتر، عامل به انحراف کشیده شدن نوجوان است. ب - بیش از حد صمیمی شدن و روابط نزدیک برقرار کردن با دوست و همسایه. در سنین بلوغ باید دوستی‌های افراطی را با احتیاط و دقت زیادی کنترل نمود. زیرا منشأ انحراف، عمیقتر می‌گردد.

ج - فقدان نظارت و مراقبت والدین و اولیای مدرسه در مورد عوارض خودارضایی نوجوان

۱۰- **بیماری طولانی** برخی از کودکان و یا نوجوانان به دلیل ضعف بنیه‌ی جسمی و ساختمان بدنی خاصی که دارند، بیشتر از دیگران و همسالان خود، در معرض ابتلا به بیماری قرار می‌گیرند و ناچار به ماندن طولانی در بستر بیماری می‌شوند و یا برخی دیگر به دلیل عارضه‌ی ناگهانی از قبیل شکستگی استخوان‌های پا و لگن و یا هر ضایعه‌ی دیگری، مدت‌های مدید ناچارند در بستر بیماری بمانند و دوران معالجه و نقاهت پس از آن را پشت سر بگذارند. این گونه اقامت‌های طولانی در بستر، کودک و نوجوان را خسته و ملول می‌سازد، به نحوی که ناگزیر زمینه‌های سرگرمی مناسب و سالم و سازنده‌ای را برای او در همان بستر فراهم نمود؛ از قبیل مطالعه‌ی کتب مفید و آموزنده‌ی داستانی، علمی، تخیلی، بازیهای فکری، استفاده از برنامه‌های مناسب تلویزیون و سایر موارد می‌تواند در جهت حل این مشکل، مؤثر واقع شود.

۱۱- **احساس کهنتری** علی‌رغم آنکه همه‌ی ما دوست داریم مورد تکریم و تحسین دیگران واقع شویم، لکن این نیاز در برخی از انسانها، به ویژه نوجوانان، تأمین نمی‌شود و غالباً به دنبال آن، احساس سرخوردگی و یأس، جانشین احساس مورد احترام بودن و ارزش داشتن نزد دیگران، می‌گردد.

همان اندازه که احساس حقارت، دلسرد کننده و قهقرایی است، انسانی که در معرض این تأثیر نامطلوب واقع می‌گردد، احساس فرومایگی و بد بودن می‌کند و به تدریج از قله‌های رفیع منزلت و شأن انسانی، فاصله می‌گیرد و سقوط می‌کند.

در واقع باید گفت بین احساس عزت و کرامت فرد از یک سو و ابتلا به انحرافات اخلاقی از سوی دیگر، رابطه‌ی معکوس وجود دارد؛ به میزانی که خود را صاحب منزلت و احترام بدانیم از گناهان و لغزش‌ها فاصله می‌گیریم و به نسبتی که خود را دون مایه و تهی بیابیم، در وادی انحرافات درمی‌غلطیم و خود را از دست می‌دهیم.

معادله‌ی رفتاری نوجوانان نیز بر همین اصل مبتنی است که «خودارضایی» با عظمت روحی نوجوان سر سازگاری ندارد و آن که در خود عظمتی و کرامتی نمی‌یابد، تفاوتی ندارد که از خود سوءاستفاده کند و یا به رابطه‌ی نامشروع دیگری بپیوندد.

از این رو، نوجوانان را باید تکریم نمود تا احساس منزلت و جلالت شأن در آنها پرورش یابد و خود را والاتر و منزّه تر از آن بدانند که در وادی گناهان فرو افتند. این اصل روانی در کلامی شیوا از امام علی علیه السلام به خوبی و روشنی بیان شده است که فرمود:

مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ

کسی که در خود احساس کرامت می‌کند، شهوات و لغزشها نزد او بی مقدار می‌شوند.

خانواده و مربیانی که شخصیت نوجوان را به مسخره می‌گیرند و احساسات او را جریحه دار می‌کنند، آگاه باشند که درهم شکستن بنیان شخصیتی نوجوان، نه تنها او را از رسیدن به اهداف متعالی باز می‌دارد، بلکه علاوه بر آن، راه را برای نفوذ ضد ارزشها، بیماریهای اخلاقی و انحرافات رفتاری از جمله خودارضایی، فراهم و هموار می‌کند. این معنا نیز در کلام دیگری از امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است که فرمود:

مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، فَلَا تَرْجُوا خَيْرَهُ

کسی که شخصیتش، خوار و بی مقدار باشد، امیدی به خیر او نداشته باشید.

نوجوانی که احساس کهنتری (حقارت) نمود، دفاع روانی و اخلاقی‌اش در برابر تمایلات زودگذر و شهوات به شدت کاهش می‌یابد و آسیب پذیر می‌گردد. از یک سو به لحاظ احساس فرومایگی، از جامعه و همسالان فاصله می‌گیرد. زیرا شرم و خجلت افراطی چنین نوجوانی او را در برخورد با گروه و جامعه، خلع سلاح می‌کند و از سوی دیگر در خلوت ناشی از احساسی کهنتری به دنبال تشفی احساسات جریحه دار شده، به خود ارضایی دست می‌یازد.

برخی از روان شناسان به رابطه‌ی بین عقده‌ی حقارت و استمنا اشاره کرده‌اند. «هادفیلد» به عنوان یک صاحب‌نظر در مسایل بلوغ می‌نویسد:

عقده‌ی حقارت نیز موجب تشویق به استمنا می‌گردد. زیرا آن لذت ناچیز موقتی که استمنا به وجود می‌آورد، تا اندازه‌ای آزرده‌ی درونی را جبران می‌کند ولی غالباً پس از این عمل، کودک یأس و تأسف شدیدتری احساس می‌کند که بیش از پیش بر احساس حقارت وی می‌افزاید.

وی همچنین می‌افزاید:

بدیهی است که در این موارد، ملامت کردن کودک و یا تحریک وی به احساس گناه و تقصیر به حالش زیانبخش‌تر خواهد بود. زیرا این عقیده را بیش از پیش در وی تقویت خواهد کرد که مورد علاقه‌ی دیگران نیست و یا آن که هیچ‌گونه ارزشی ندارد «کامجویی از خود» گرچه موقتاً نوجوان را تشفی می‌بخشد و قدری آرامش و رخوت به همراه می‌آورد، لکن این آرامش کاذب است و به اصطلاح، آرامش قبل از طوفان نامیده می‌شود. طوفانی که بعدها سر بر می‌آورد و خرمن هستی نوجوان را در حریفی دامنگستر، می‌سوزاند.

آرامش واقعی را زمانی می‌توان به دست آورد که غریزه‌ی جنسی در مجرای صحیح و در چهار چوب قانون و شرع ارضا شود. لکن هرروش دیگری به جز این، وقتی انجام شد، نه تنها فرد را به آرامش و تعادل روانی نایل نمی‌گرداند، بلکه به مرور محل امنیت و آرامش روانی می‌گردد و هسته‌ی اصلی عصیّت را در وجود او ایجاد می‌کند. از این رو نباید شخصیت نوجوان را متزلزل نمود و او را به ناامیدی و یأس از خود و از آینده‌ی روشن، سوق داد، بلکه باید به او شخصیت داد و در پرتو آن، احساسات با عظمت و متعالی را در او تقویت نمود تا براساس ایجاد یک شخصیتی مکفی و معتمد به نفس، بتوان نیروی مقاومت اخلاقی را در او افزایش داد، تا بتواند همچون سدی پولادین در مقابل هجوم تمایلات شهوانی و کامجویی بدلی، ایستادگی کند.

خانواده‌ها و مربیان با تأکید بر نقاط مثبت شخصیت نوجوان پرورش آن جنبه‌ها، می‌توانند با مؤثرترین شیوه، به او در برابر تهاجم تمایلات نفسانی، مصونیت بخشند تا سلامت فرد و جامعه از برآیند آن دو حاصل گردد.

۱۲- تقلید و بدآموزی کودکان و نوجوانان، استعداد شگفتی برای تقلید و اقتباس از الگوهای رفتاری از خود نشان می‌دهند. این گونه تقلیدها، در بیشتر موارد با درایت و آگاهی توأم نیست، بلکه صرفاً براساس مشاهده‌ی رفتار و پذیرش آن، صورت می‌گیرد. از این رو، زمانی تقلید جنبه‌ی بدآموزی به خود می‌گیرد که رفتارهای مورد اقتباس، منفی و ضدارزشی باشد.

«خودارضایی» به سهولت می‌تواند مورد تقلید نوجوانان قرار گیرد. چنانچه نوجوانان فرصتهای زیادی را با هم و دور از نظارت والدین و مربیان بگذرانند، امکان انتقال این گونه تجربیات منفی به راحتی وجود خواهد داشت.

این امر به ویژه زمانی شدت می‌یابد که نوجوانان برای مدت قابل توجهی در مسافرتها، اردوها و مراکز آموزشی و نظامی شبانه روزی با یکدیگر باشند و علاوه بر آن اگر حضور بزرگترها و نظارت آنها به حداقل برسد، امکان بدآموزی و تقلید «خودارضایی» سریعتر فراهم می‌شود و یا این که در برخی از مدارس، دستشویی‌ها در محلی دور از نظارت مسئولین این قبیل اماکن است و فرصتی برای تعدادی از دانش آموزان مسئله دار فراهم می‌شود تا به نیت خود جامعه عمل بپوشاند. لذا ضروری است مرتباً به این محلها سرکشی شود تا امکان بدآموزی و انحراف جنسی به حداقل برسد.

در موارد دیگر، تعداد دستشویی‌های مدارس خیلی محدود است و تناسبی با تعداد دانش آموزان ندارد. لذا برخی از آنان فرصت نمی‌یابند که به تخلیه‌ی مثانه بپردازند که این امر خود، در تحریک زایی آنان سهمی مؤثر دارد. در مورد مراکز شبانه روزی، اردوها و مسافرتها دسته جمعی که دانش آموزان به اتفاق مربیان شرکت می‌کنند، بهتر است مربیان و مسئولین، تربیتی اتخاذ نمایند که در خوابگاهها نیز حضور آنان احساس شود تا دانش آموزان با مشاهده‌ی آنان، فرصت و زمینه‌ی مناسبی برای انجام برخی از اعمال، نظیر بدآموزی و انتقال منفی، پیدا نکنند.

۱۳- بلوغ نابهنگام (زودرس): بلوغ طبیعی و بهنجار، نوجوان را در موقعیت ایفای جنسی و توانایی تولید مثل قرار می‌دهد، ولی همانطور که قبلاً در این زمینه اشاره نمودیم به دلیل فاصله‌ای که بین بلوغ جنسی (بهنجار) و بلوغ روانی و اقتصادی وجود دارد، به ناچار باید ارضای این غریزه را به تعویق افکند و به زمانی موکول کرد که شرایط دیگری از قبیل توانایی روحی برای تشکیل خانواده و همچنین توانایی و قابلیت تأمین درآمد نیز به وجود آمده باشد.

نظر به مشکلات یاد شده، اگر مسئله بلوغ زود هنگام را به آنها بیفزاییم، نوجوان را در وضعیت بغرنج و دشواری مشاهده می‌کنیم. زیرا اختلاف فاز مربوط (تفاوت زمانی بلوغ جنسی و بلوغ روانی و اقتصادی) باز هم بیشتر می‌شود.

البته، دختران و پسران نسبت به بلوغ زودرس، واکنشهای یکسانی نشان نمی‌دهند. زیرا دختران به طور معمول یکی دو سال زودتر از پسران بالغ می‌شوند و زمانی که دختر نوجوانی دچار بلوغ زودرس شود، به این مفهوم است که زودتر از همسالانش به رشد بدنی و

افزایش طول قامت و حجم فیزیکی بیشتری دست یافته است که او را در بین همسالان، از همه متمایز می‌کند.

تجربیات دست اندرکاران تربیتی مؤید آن است که معمولاً دختران نوجوان از بلوغ زودتر رنج می‌برند و احساس ناراحتی می‌کنند و سعی دارند حتی المقدور این موضوع را از دیگران مخفی نگه دارند. در حالی که پسران نوجوان برعکس دختران از بلوغ زودتر استقبال نموده و با نوعی غرور و شعف با دیگران از آن گفتگو می‌کنند.

بدیهی است نوجوانان پسر و دختری که زودتر از موعد مقرر به بلوغ می‌رسند دچار تحریکات بیشتر و تنش‌های فراوان‌تر می‌گردند و برای ارضای خویش به نحو مطلوب، فاصله‌ی زمانی طولانی‌تری را باید طی کنند و چون همه‌ی آنها در وضعیت اخلاقی و ارادی آنچنانی نیستند که با پرهیزکاری، این مدت را به سر آورند، لذا امکان ابتلای آنان به «خودارضایی» بیشتر از سایر نوجوانان خواهد بود.

۱۴- عوامل محرک فرهنگی شرایط فرهنگی و اجتماعی به گونه‌ای است که نوجوانان

مانند سایر گروه‌های سنی در معرض بمباران بی وقفه‌ی پیام‌های اطلاعات و علوم مختلف قرار دارند. رسانه‌ها زبان ارتباطی این پیام‌ها با مردم است و نقش گسترده و فراگیر آنها برای هیچ کس قابل انکار نیست. تبادلات فرهنگی کشورهای مختلف از طریق کتب، مجلات، فیلم‌ها و نوارهای گوناگون و غیره انجام می‌پذیرد، به گونه‌ای که امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند فضای فکری بسته و محدودی به وجود آورد. باید اذعان نمود که بیشتر تبادلات فرهنگی، در برگیرنده‌ی عناصر منفی و جنبه‌های بدآموز می‌شود، واقعیت امر آن است که در بیشتر نقاط کشور آثار سوء و نامطلوب فرهنگ مبتذل غرب را می‌توان مشاهده نمود.

فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی وارداتی، سریال‌های خارجی مغایر با فرهنگ اسلامی، کتب و مجلات خارجی، نوارهای ویدئو و کاست که آخرین فیلم‌های روی پرده را در دنیای غرب به سهولت به داخل کشور سرازیر می‌کند، عکس‌ها و آلبوم‌های مبتذل و سایر ابزار تبلیغ که در دست دشمنان این جامعه، به طور مؤثری علیه ما به کار گرفته است. مجموعاً ایجاد کننده‌ی محیط محرک جنسی برای نوجوانان این مرز و بوم است. مع الاسف خطر ویرانگر این هجوم تبلیغاتی و فرهنگی کاملاً احساس نشده و لذا مقابله‌ی با آن هم کاملاً جدی گرفته نشده است.

گرچه مبادله‌ی این ابزارهای تبلیغاتی به شیوه‌ی نسبتاً مخفیانه انجام می‌گیرد، ولی مدارس و مراکز حضور نوجوانان، همچون میادین ورزشی و پارکها و غیره، زمینه‌ی مناسب این تبادلات را فراهم می‌نماید.

کتابهایی که به شرح و تفسیر روابط زناشویی همراه با تصاویر و جزئیات پرداخته‌اند، کم نیستند و به راحتی قابل خریداری و استفاده‌ی نوجوانان می‌باشند. عکس‌های مبتذل و تحریک آمیز جنسی به گونه‌ای روان شناسانه، اخلاق و فرهنگ نوجوانان را در معرض هجومی سخت و ویرانگر قرار داده‌اند. «سیلوانوس استال» مؤلف کتاب ارزشمند «آنچه که یک جوان باید بداند؟» در این زمینه می‌نویسد:

گویند پس از آن که سروانتس نویسنده‌ی مشهور اسپانیولی در کتاب «دون کیشوت» از شوالیه‌ی اسپانیا به سخریه و استهزا سخن راند، در خوانندگان چنان مؤثر افتاد که مردم دیگر پیرامون پهلوانی و روحیه‌ی پهلوانی نگشتند و دیگر از آن سرزمین، قهرمانی برنخاست. پس اگر کتابی تنها بتواند خوی سلحشوری ملتی را این سان دگرگون کند، یک مصنف زبردست خواهد توانست به آسانی جوانی را بفریبد و گمراه کند و او را با خواندن کتابی به ریشخند ساختن آیین پرهیزکاری و پسندیده دانستن زشتی برانگیزد، ادبیات هزل آمیزی که از دایره‌ی شرم و آزر بیرون است، منافی اصول اخلاقی و خطرناک می‌باشد.

۱۵- حساسیت‌های پوستی برخی از بیماریهای جلدی در سنین کودکی و یا نوجوانی سبب تحریک موضعی می‌شود و ایجاد خارش می‌نماید. زمینه‌ی پیدایش این گونه حساسیتها، ممکن است در عدم رعایت بهداشت، ایجاد عفونت‌های پوستی، حساسیت داشتن نسبت به مواد شیمیایی و یا چیزهای دیگر، وجود داشته باشد و به هرصورت در چنین موقعیتی نوجوان آماده‌ی تحریک می‌شود و به نوعی برای رفع تحریک و تنش، اقدام می‌نماید.

«موریس دبس» صاحب‌نظر مسایل بلوغ، معتقد است:

گاهی اوضاع و احوال محلی (موضعی) نیز عمل استمنا (خودارضایی) را تحریک می‌کند؛ مثلاً هر چیزی که موجب پیدایش خارش دستگاه تناسلی بدن شود و در نتیجه، دستمالی و تماس را موجب گردد.

در برخی از موارد سوء تغذیه نیز منجر به ایجاد عوارض پوستی می‌شود و زمینه‌ی خارش را فراهم می‌کند؛ مثلاً غذاها و خوراکی‌هایی که طبیعت آنها اصطلاحاً گرم است، اگر بیش از حد

مورد نیاز بدن مورد استفاده قرار گیرد، باعث می‌شود که جوش‌هایی در نقاط مختلف بدن ظاهر شود و ایجاد حساسیت و تحریک نماید.

لذا توجه به تغذیه‌ی صحیح و متناسب نوجوانان، به طور منظم حمام رفتن و رعایت اصول کامل بهداشت و در صورت مشاهده حساسیتهای جلدی به یک متخصص امراض پوست مراجعه نمودن، می‌تواند از دستکاری بیش از حد بدن و بخصوص دستگاه تناسلی جلوگیری نماید.

۱۶- اضطراب و نگرانی دوره‌ی نوجوانی را غالباً می‌توان با اضطراب همراه دانست. اضطراب از آینده، ازدواج، شکست تحصیلی، فقدان اعضای خانواده و بالاخره نگرانی از سلامت جسمی و روانی، همه، موضوع‌هایی است که نوجوان را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در پاره‌ای از موارد علل اضطراب برای نوجوان روشن و معلوم است و در مواردی دیگر نامعلوم. ولی آنچه در همه‌ی اضطرابها مشترک است، رنج و اندوه نوجوان از حملات اضطرابی است که به او هجوم می‌آورند.

نگرانی چیست؟

نگرانی از دیدگاه روان‌شناسان مختلف مورد تعریف و بحث و بررسی واقع شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود

۱- احساس ناگواری که به نظر می‌رسد، یک غریزه یا میل از رسیدن به غایت و هدف خود باز خواهد ماند.

۲- احساس و هیجانی انگیخته از بیم، در برابر شر یا خطری احتمالی و نزدیک.

۳- بیم خفیف مزمن و مستمر.

۴- احساس تهدید و تلاقی مبهم با خطر، بدون این که حتی شخص قادر باشد بگوید از چه چیز مشخصی هراسان است.

۵- کشش و بی‌قراری و هیجان انتظار موجود میان بیم و امید.

یکی از صاحب‌نظران و روانکاوان معروف به نام خانم «کارن هورنای» می‌گوید: برای روبرو شدن با مسئله نگرانی، ما باید سه نکته را به خوبی کاوش کنیم:

۱- چه چیز مورد تهدید قرار گرفته است؟

۲- چه چیز منشأ و موجب احساس خطر شده است؟

۳- چه چیز موجب احساس زبونی در برابر خطر شده است؟

و بالاخره روانکاو و صاحب‌نظر برجسته‌ای همچون «اریک فروم» علل اساسی نگرانی را در سه نوع تلخیص می‌کند:

۱- نگرانی وجودی یا فلسفی.

۲- نگرانی اقتصادی.

۳- نگرانی تکاپویی.

نگرانی وجودی یا فلسفی برای انسان‌های بهنجار نیز مطرح است و بیشتر این مسئله طرح می‌شود که انسان چرا باید زندگی کند؟

چرا باید بمیرد؟

نگرانی اقتصادی به میزان احساس امنیت فرد در برابر تهدیدهای شغلی و اقتصادی بستگی دارد.

نگرانی تکاپویی به نقل و انتقال زندگی، مهاجرت‌ها و مسایل دیگری از این قبیل برمی‌گردد. نگرانی در سنین مختلف، انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حالت پیشرفته‌اش به نام «دپرسیون» (افسردگی) موسوم است در نوجوانی، تظاهرات مختلفی را به وجود می‌آورد.

برخی از روان‌پزشکان معتقدند که:

در بسیاری از نوجوانان «دپرسیون» سبب می‌شود که آنها دست به یک رشته ارتباط جنسی با دیگران (یا خود) بزنند. شاید می‌خواهد خود را با یک عمل جنسی، از افسردگی رهایی بخشد ولی بالعکس هر رابطه‌ی جنسی، احساس گناه و تقصیر او را بیشتر می‌سازد و در نتیجه مانند یک سیکل معیوبی این اعمال جنسی را تکرار می‌کند.

اضطراب و نگرانی، فرد را تحت فشار روانی خاصی قرار می‌دهد، به گونه‌ای که او در صدد برمی‌آید به عاملی پناه ببرد و در پناه آن، خود را از فشار مذکور برهاند. زمانی که نوجوانی دارای روابط معیوب و آسیب دیده‌ای با اطرافیان و والدین خود باشد، ترجیح می‌دهد که به عوض پناه بردن به دیگری، به وجود خویش پناه ببرد و خود را تشقی بخشد. لذا گرایش‌های مقدماتی نوجوان به خودارضایی، این گونه آغاز می‌شود و با تکرار این عمل، بر اضطراب او افزوده می‌شود.

گفتگوهای روشن‌گرانه و دوستانه با نوجوانان پیرامون ماهیت اضطراب‌ها، چگونگی عملکرد آنها به ویژه شیوه‌های برخورد با نگرانی‌ها می‌تواند در کاهش دپرسیون آنان و در نتیجه در تخفیف «خودارضایی» آنان، بسیار مؤثر و مفید واقع شود.

۱۷- مشکلات دوران پرستاری: در تقسیم بندی مراحل رشد، معمولاً دوره‌ای را که از تولد شروع می‌شود و به سه سالگی ختم می‌گردد، «دوره‌ی پرستاری» می‌گویند. این دوره بر حسب شرایط خاص کودک، حائز اهمیت زیادی است. کیفیت شیرخوارگی، تغذیه تنظیم خواب کودک و نوع بازیهای او می‌تواند در حیات جنسی کودک تأثیرهای زیادی برجای گذارد.

نحوه‌ی خوابانیدن طفل از جمله‌ی مهمترین مسایل است که باید مادران به آن توجه خاصی داشته باشند. برخی از مادران، طفل را به حالت «دمرو» روی پاهای خود می‌خوابانند و او را تکان می‌دهند. این کیفیت، موجب تماس عضو جنسی کودک با مادر شده و او را تحریک می‌کند یا خوابانیدن کودک دمرو در تخت یا رختخواب وی اگر به صورت عادت درآید، آثار سوئی در بر خواهد داشت. لذا در این سنین که کودکان بعضاً بی‌قرارند و بد می‌خوابند و نیاز به مساعدت مادر دارند، از هرگونه دمرو خوابانیدن کودک و نیز هر حرکتی که منجر به مالش و تماس دستگاه جنسی کودک با بدن مادر، رختخواب و یا زمین شود، باید خودداری شود و کودکان را از ابتدا به گونه‌ای عادت داد که به اصطلاح «طاقباز» بخوابند.

در تعلیم نظافت و طهارت کودک نیز باید دقیقاً توجه نمود که هنگام تطهیر کودک توسط یکی از والدین، بیش از اندازه، دست آنها با عضو جنسی کودک تماس حاصل ننماید و گرنه منجر به نوعی احساس لذت در کودک شده و احتمالاً پایه گذار عادات نامطلوبی از قبیل دستکاری کودک و تماس با بدن و بالاخره استمنای خواهد شد. متأسفانه برخی از والدین برای سرگرم کردن کودک، با آلت جنسی او بازی می‌کنند. این کار، گرچه موقتاً طفل را مشغول می‌کند، ولی آثار بسیار وخیمی درآینده، در حیات جنسی و روانی کودک بر جای می‌گذارد، به گونه‌ای که جبران آن بعضاً دشوار خواهد بود. به این گونه والدین باید آموزش کافی داده شود تا در این زمینه دچار لغزش و روش‌های غلط نگردند.

مورد دیگری که لازم است به آن اشاره کنیم، شیوه‌ی نامطلوب بعضی از والدین است که برای خندانیدن کودک، او را قلقلک می‌دهند و این کار را نوعی سرگرمی برای خویش و مسرت خاطر کودک تلقی می‌کنند. در واقع این عمل، نوعی تحریک بدنی کودک محسوب می‌شود که نواحی حساس و تحریک‌زای بدن او از قبیل پهلوها، زیربغل‌ها و نواحی دیگر را هدف قرار می‌دهد و از نظر تربیتی بسیار زیانبخش و مضر است، زیرا این عمل کودک را تحریک می‌کند و او را مستعد تحریکات بدنی دیگری که شخصاً ممکن است عامل آن باشد، می‌نماید و در حقیقت والدین ناآگاه با این عمل، احساسات خفته‌ی او را بیدار می‌کنند و در معرض تحریکات زودرس قرار می‌دهند.

۱۸- لباس نامناسب عامل دیگری که در «خودارضایی» کودکان و نوجوانان مؤثر است، استفاده از لباسهای نامناسب است. این مسئله به دو صورت می‌تواند مشکل آفرین باشد:

۱- پوشانیدن لباسهای جنس مخالف به کودک.

۲- پوشانیدن لباسهای تنگ، چسبان و تحریک آمیز.

در حالت اول، معمولاً والدینی به این کار مبادرت می‌نمایند که علاقمند به داشتن فرزند از جنس دیگری هستند؛ مثلاً پسر دارند ولی شدیداً خواهان دختر هستند و یا بالعکس دختر دارند و شیفته‌ی فرزند پسر می‌باشند و چون آرزوی آنها تحقق پیدا نکرده است، با پوشانیدن لباس دختران بر اندام پسران و حتی آرایش دخترانه، سعی در تشریف ناکامی خود و آرزوی برآورده نشده، دارند و بالعکس در مورد دختران، پوشانیدن لباس پسرانه و فرم و آرایش پسرانه مطرح است.

این عمل در ایفای نقش و «هویت جنسی» اختلال ایجاد می‌نماید و منجر به گرایش کودک به جنس مخالف می‌شود. از این رو توصیه می‌شود که والدین، فرزندان خود را به همان وضعیت و جنسیتی که هستند بپذیرند و در همان هویت خاص تربیت کنند براساس دختر و پسر بودن، تربیت زن کامل و یا مرد کامل را در مورد آنها اعمال نمایند.

در حالت دوم، استفاده از لباسهای تنگ و چسبان، منجر به تحریک جنسی فرزندان می‌شود، بخصوص استفاده از شلوارها و لباسهای نامناسب، باعث نوعی جلب توجه نوجوان به اعضای بدن، به ویژه دستگاه تناسلی می‌گردد.

علاوه بر این که لباس تنگ از نظر بهداشتی برای بدن زیان آور است از حیث پرورش صحیح و حیات جنسی نیز آفاتی را به دنبال دارد. به این لحاظ انتخاب لباس مناسب در سنین قبل از بلوغ و دوران بلوغ یکی از وظایف حتمی والدین است.

۱۹- نیمکت‌های مسئله آفرین: شکل قرارگرفتن دانش آموزان در کلاس درس و نشستن

روی نیمکت‌های کلاس، یکی از مسایلی است که متأسفانه علی‌رغم اهمیت آن، توجه جدی و لازم به آن معطوف نشده است.

تردیدی نیست که ما از دوره‌ای سخن می‌گوییم که نوجوانان بیشترین استعداد تحریک پذیری را دارند. این تحریک پذیری به گونه‌ای است که نوجوان حتی با کمترین تماس بدنی و جسمی، کاملاً تحریک می‌شود. وجود نیمکت‌های یکسره، که دانش آموزان به حالت فشرده‌ای در کنار هم می‌نشینند (بخصوص کلاس‌های پرجمعیت) بیشترین زمینه را برای تحریک جسمی و جنسی آنان فراهم می‌کند.

بهترین حالت نشستن در دبستانها و بخصوص مدارس راهنمایی، استفاده از میز و صندلی‌های یک نفره است که هیچ گونه تماس بدنی بین دانش آموزان برقرار نمی‌شود. لازم به یادآوری است که اولیای مدارس، علاوه بر مقطع راهنمایی و دبیرستان، در سایر موارد نیز باید ترتیبی اتخاذ نمایند که نوجوانان از هرگونه عمل محرک دور بمانند. به ویژه کنترل دروسات تفریح، خارج شدن دانش آموزان به صورت فشرده و ناگهانی از کلاس، در صف ایستادن، استفاده از استخرهای دسته جمعی برای دانش آموزان و سایر موارد که نظارت و مراقبت مسئولین مدارس را می‌طلبد، از جایگاه خاصی برخوردار است.

۲۰- تنبیه بدنی: از عوامل دیگری که به طور مؤثر در گرایش به «خودارضایی» نوجوانان نقش دارد، تنبیهات بدنی است که در مورد کودکان و نوجوانان اعمال می‌شود. در این گونه موارد یافتن رابطه بین تنبیه بدنی و خودارضایی نخستین گام محسوب می‌شود. یکی از صاحب نظران در این زمینه می‌نویسد:

تنبیه بدنی سخت، زیانهای جسمی، جنسی و روحی فراوان دارد، به سهولت ممکن است کودکان را مبتلا به «سادیسیم»، یعنی جنون آزار و خون آشامی یا «مازوشیسم» - عکس سادیسیم - یعنی تمایل به برده صفتی و رنجبری گرداند. بسیاری از کسان که در بزرگی، دچار ناشادکامیها و انحرافهای جنسی شده اند، تنها در اثر کتک‌هایی بوده است که در کودکی خورده اند. «ژان ژاک روسو» نویسنده انقلابی قرن هیجدهم، در کتاب «اعترافات» خویش ضایعه‌ی نامیمون جنسی خود را که در اثر کتک خوردن از مربی خود در وی ایجاد شده و برای همیشه وی را رنج می‌داده است، به وضوح شرح می‌دهد.

اعمال و تکرار تنبیه بدنی به رابطه‌ی قهرآمیز، بین والدین و کودک یا نوجوان منجر می‌شود و این امر آنها را از هم دور و دورتر می‌کند. گسستن این پیوندها، نوجوان را در انزوا قرار می‌دهد و همانگونه که قبلاً توضیح دادیم، انزوا، بستر مساعدی برای رشد زمینه‌های انحرافات اخلاقی، از جمله «خودارضایی» است.

استاد «دکتر مهدی کی‌نیا»، یکی دیگر از صاحب نظران که از دیدگاه جرم شناسی به مسئله نگریسته است، در زمینه‌ی ارتباط تنبیه بدنی و انحرافات اخلاقی و اجتماعی نوجوان می‌نویسد: تنبیه کودک یا نوجوان او را به تنبیه معتاد می‌سازد و این خود موجب ریشه گرفتن انحراف «مازوشیسم» (تمایل به خودآزاری) در او می‌شود. تنبیه موجب عقب افتادگی و عدم رشد روانی و یا اختلال روانی می‌شود.

تنبیه درسی است عملی برای پرخاشگری درحالت عصبانیت. کودک یا نوجوان می‌آموزد که برای فرونشاندن خشم خود، دیگران را بیازارد و به این ترتیب نهال انحراف سادیسیم (تمایل به دیگر آزاری) در او غرس می‌شود، یا دیگران را می‌آزارد یا از آزدن حیوانات لذت می‌برد. از این رو تنبیه موجب بروز کینه و تقویت حس انتقامجویی می‌گردد و کودک از آن درس سنگدلی و بی‌رحمی و قساوت و شقاوت می‌آموزد. تنبیه اگر شدید و بیجا باشد، ممکن است واکنشهای شدیدی در پی داشته باشد:

کودک و نوجوان از خانه یا مدرسه فرار می‌کند و به ولگردی رو می‌آورد و در دام باند بزهکاران گرفتار می‌شود. فرار، ناشی از عدم انطباق کودک با الگوی رفتار والدین و روبرو یافتن از آن است.

۲۱- بیماریهای انگلی در پاره‌ای از موارد کودکان و نوجوانان بر اثر عواملی مبتلا به نوعی بیماری انگلی می‌شوند. برخی از این بیماریها با خارش زیاد در موضع خاصی از بدن، همراه است. به ویژه زمانی که این موضع، دستگاه تناسلی کودک یا نوجوان باشد، مسئله حادث می‌شود. خارش، ایجاد حساسیت می‌کند و حساسیتها نیز منجر به تحریک جنسی کودک یا نوجوان می‌گردد. اگر چه در ابتدا هدف از خاراندن لذت جنسی نیست بلکه رفع تنش بیشتر مورد نظر است، لکن به مرور در اثر تکرار، کودک و یا نوجوان از این کار یک نوع لذت جنسی کسب می‌کند و در مواردی همچنان باقی می‌ماند. در این نوع موارد علاوه بر معالجه‌ی فرد از حیث بهداشتی، باید او را مورد مراقبت و مداوای خاص روانی و اخلاقی نیز قرار داد تا ریشه‌ی این عادت نامطلوب، به تدریج از بین برود.

۲۲- نگاه حرام در کلام معصوم علیه السلام آمده است که:

نگاه حرام تیری از تیرهای شیطان است.

اگر بگوییم که چشمان انسان دروازه‌ی ورود تصورات و اندیشه‌های انسان است، گزاف نگفته ایم. در بیشتر موارد ابتدا چیزی را می‌بینیم و پس از آن مدت‌ها در آن زمینه فکر می‌کنیم و تخیلات خود را بر آن اساس می‌پروریم.

در حقیقت باز به کلام معصوم علیه السلام استناد می‌جوئیم که فرمود:

ای بسا نگاه [نامناسبی] که رنج و اندوه بی پایان به دنبال دارد.

نگاه حرام، مواد اولیه و مصالح لازم تصورات و تخیلات بعدی را فراهم می‌کند، آنگاه نوجوان با استفاده از مناظر تحریک آمیزی که مشاهده نموده است، سفر بی‌پایان و خطرناکی را آغاز

می‌کند و به نتایج نامطلوبی می‌رسد. مقدمه‌ی تمامی رنجهای روحی و آلام روانی، نگاه کنترل نشده و شهوت آلودی است که نوجوان را به مصیبت‌های بیشتری مبتلا می‌سازد.
نوجوانی می‌نویسد:

از گناهان کبیره می‌ترسم ولی هرگاه به دختری نگاه می‌کنم ناخودآگاه دست به این کار نادرست (استمنا) می‌زنم و بعد هم ناراحت می‌شوم.
در این زمینه شاعر مطلبی را به صورت گویا بیان نموده است:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند، دل کند یاد
بسازم خنجری نیش ز فولاد زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

شاعر راه حل مشکل را در از بین بردن چشمان می‌داند، لیکن آیا بهتر نیست این گونه بیان شود که به عوض نابود کردن دیدگانی که امانت الهی هستند، نیروی اراده‌ی خود را تقویت کنیم و چشمان خود را تحت کنترل درآوریم تا به این مشکلات مبتلا نشویم؟
کسانی که دیدگان خود را نیز تربیت می‌کنند و آنها را در زمینه‌های صحیح به کار می‌گیرند، هیچ گونه شکوه‌ای از پیامدهای داشتن چشم ندارند و راه حل را هم در نابودی آنها نمی‌دانند.
بدیهی است کسانی که چشمان آنها «هرزه گرد» و فاقد کنترل باشد، همیشه دستخوش رنجهای روحی و آلام درونی و بی‌شماری خواهند شد که دیدگان‌شان از آنها تصویر برمی‌دارد. لذا راه حل مسئله برخلاف آنچه که شاعر گفته است، در استعانت از خدا و در تربیت و کنترل و تسلط بر دل و دیده است.

۲۲- نقصان محبت: خلأ عاطفی و روانی، راه را برای نفوذ انحرافات و گرایش‌های نامطلوب هموار می‌نماید و کمبودهای فوق، نوجوان را آسیب پذیر می‌کند.
«هادفیلد» به عنوان یک روان شناس نوجوانی می‌نویسد:

از جمله علل روانی می‌توان افراط تحریک حسی یا جنسی را نام برد که کودک نمی‌تواند از آن درگذرد، اما رایجترین علت روانی استمنا، نقصان محبت است. کودک چون از دیگران مأیوس و دلسرد شد، به خودش می‌گراید، به طوری که تمام زندگی عشقی وی متمرکز بر لذت جسمانی گردیده و میل شدیدی برای احساس این لذت حاصل می‌کند.

عوامل روانی بوجود آورنده انحرافات جنسی:

مهمترین آنها عبارتند از محرومیت از روابط جنسی طبیعی، انزوای کودکی، وقایع خاص که سبب یادگیری انحرافات در کودکی و نوجوانی می‌شود، اضطراب اخته شدن، تثبیت یا بازگشت به دوران کودکی، جهالت در امور جنسی، همانندسازی جنسی، بازداری کلی شخصیت، ترس از مسئولیت و بالاخره ترس از جنس مخالف.

محرومیت از روابطه جنسی طبیعی: تحت شرایط محروم کننده شدید که در آن زن و مرد فرصت رابطه جنسی طبیعی ندارند، انحرافات جنسی افزایش می‌یابد.

انزوای کودکی: کودکانی که در دوران طفولیت و کودکی مدت طولانی از دیگران جدا بوده‌اند در روند تکامل روانی - جنسی خود اختلال پیدا کرده‌اند. انحرافات مربوط به انزوای کودکی شامل بچه بازی و همجنس گرایی و زنا می‌باشد که در واقع جبرانی است برای محرومیت‌های عاطفی دوران کودکی

همجنس گرایی: اغلب هنگامی شروع می‌شود که در دوران کودکی به فرد تجاوز شود و یا فرد بدآموزیهایی داشته باشد.

شیء پرستی (جایگزین کردن شیء بجای دستگاه جنسی طرف مقابل): ممکن است به علت شرطی شدن هیجان جنسی با شیء در دوران کودکی یا نوجوانی به وقوع بپیوندد. مثلاً در یک زمان یک شیء را ببیند و توام با آن خاطره‌ای که باعث تحریک می‌شود، بعد از آن با دیدن آن شیء خاص باعث تحریک او می‌شود.

ضربه زدن به نشیمنگاه کودک دردی توام با لذت در او ایجاد می‌کند و در نتیجه در بعضی از کودکان ممکن است سبب بیماری ماسوخیسم (خودآزاری) گردد.

روانکاوان معتقدند: ترس از جنس مخالف، استمناء، شیء پرستی جنسی و همجنس گرایی ممکن است به دلیل ترسی باشد که فرد در دوران کودکی، در رابطه با مسائل جنسی و در رابطه با جنس مخالف بخصوص با مادر و محارم پیدا می‌کند. طبق این نظریه فرد به علت ترس از رابطه با جنس مخالف، با همجنس خود که از آن کمتر می‌ترسد و بیشتر با آن آشناست رابطه می‌گیرد.

نقش سازی یا نقش بازی: عبارت است از الگو پذیری، تقلید نمودن و ادای نقش فردی و اجتماعی از طرف دختر با قراردادن زن در آن فرهنگ به عنوان الگو و از طرف پسر با پذیرفتن آن فرهنگ خاص به عنوان سرمشق و الگو.

این الگوپذیری و نقش‌پذیری شامل نحوه تکلم، حرکات، تفریح و بازی، پوشیدن لباس و آرایش و بسیاری از رفتارهای دیگر می‌شود. ممکن است عدم موفقیت در گرفتن نقش صحیح جنسی سبب اختلال جنسی گردد.

عواملی که سبب عدم موفقیت می‌شوند ممکن است در بروز انحرافات جنسی موثر باشند، مثل:

۱- نداشتن خصوصیات جسمانی کافی و لازم: مثلاً پسری که ساختمان بدنی زنانه دارد نسبت به پسری که دارای ساختمان جسمی قوی است نقش جنسی مردانه را دشوارتر به خود می‌گیرد.

۲- فشار اجتماعی و خانوادگی فرد برای نقش پذیرفتن به او فشار می‌آورد: مثلاً اگر توقعات جامعه و بخصوص خانواده، شدیداً با امکانات جسمی و روانی کودک در نقش‌پذیری جنسی مغایر باشد، کودک دچار تعارض می‌شود و در نتیجه زمینه انحراف را آماده می‌سازد.

۳- فقدان الگوی صحیح مرد یا زن در خانواده: معمولاً این الگو شامل پدر و مادر می‌باشد، که آن‌ها همانند سازی جنسی کودک را شکل می‌دهند. اگر در جریان رشد، پسر نتواند با پدر خود به درستی و به اندازه کافی همانند سازی سالم جنسی نماید یعنی از او الگوی نادرستی بیاموزد یا امکان الگوسازی از پدر (در صورت نبود پدر) را نداشته باشد، امکان انحراف جنسی در او ایجاد می‌شود.

۴- یکی از علل انحرافات جنسی: جهالت و عدم دانش صحیح در رابطه با مسائل جنسی است، تعداد زیادی از منحرفین جنسی از کسانی بودند که فهم روشن و درستی از مسائل جنسی نداشته و نیز در دوران کودکی از فهمیدن موضوعات به سختی بازداري، ترسانده و منع می‌شدند.

۵- ترس را از عوامل دیگر انحراف جنسی می‌توان نام برد، ترس از عهده دار شدن مسئولیت است، کسانی که شخصیت آن‌ها برای قبول مسئولیت‌ها و مسائل مربوط به آن رشد کافی نکرده است.

غریزه جنسی و راههای کنترل آن

حکمت غریزه جنسی در بشر

استمرار و بقای موجودات زنده برخوردار از حکمت و فلسفه‌ای است که در اصل وجود آنان بوده است و آفریدگار جهان آن را از دو راه عملی می‌کند:

۱- از طریق تغذیه و رساندن مواد لازم به بدن برای جایگزینی آنچه از آن به تحلیل می‌رود.

۲- از راه لقاح.

اولی موجب بقای ذات و خود موجود است و دیگری وسیله استمرار نوع در بستر زمان است. در این میان، حیوانات اصولاً توجهی به ضرورت بقا ندارند و تنها بر اساس غریزه عمل می‌کنند و انسانها هم ممکن است بر اثر غفلت و یا نداشتن انگیزه ماندن، در پی عملی شدن عامل بقای خود نباشند و این اهمال کاری، قطعاً به انقراض نسل آنها خواهد انجامید. بدین جهت خداوند حکیم و مهربان، میل به تغذیه و جنس مخالف را در وجود آنان قرار داد، تا اینکه آنها از خوردن و آشامیدن و لقاح، احساس لذت کرده و به انگیزه ارضای این خواست طبیعی خود، نسبت به این دو عمل اقدام کنند و به موجب آن همواره در صدد اجرای عامل استمرار وجود خویش باشند.

نیرومندی غریزه جنسی

قدرت و قوت بسیار غریزه جنسی و میل به خوردن و آشامیدن در بشر و تأثیر فراوان و غیر قابل انکار آن در چرخه زندگی او و نقش بنیادی و بسیار قوی آن در شکل دهی به شخصیت و رفتار و افکار او و سمت و سو بخشی به تحرکات فردی و اجتماعی او قابل انکار نیست. و بدین جهت و بر همین مبنا دو مکتب «فرویدیسم» و «مارکسیسم» در عرصه حیات فکری بشری پدید آمد، و هر یک از دو مکتب با بزرگ کردن بیش از حد هر کدام از آن دو خواسته طبیعی و اصالت دادن به آن، همان را پایه و اساس شخصیت و حیات بشری قرار داده و سایر نیازها و امیال او را بازتاب و برآیندی برای آن به شمار آورد.

در این میان غریزه جنسی از قدرت و نیروی فزون‌تری برخوردار است و حکمت آن هم شاید به جهت وجود زحمات و رنجهایی باشد که بر اثر این غریزه برای مرد و به ویژه زن، در بارداری و تربیت و تأمین فرزند پیش می‌آید.

خطرات شهوت گرایی

میل به لقاح که در اصل آفرینش به جهت تأمین بقای موجودات زنده، در نهاد آنها به ودیعت سپرده شد، آنگاه که در اختیار بشر قرار گرفت، با سوء استفاده از آن، در جهت هلاکت و تباهی او نیز به کار رفت.

این غریزه، اگر رها شود، همچون موربانه که بی‌رحمانه بر درختان تناور هجوم می‌آورد و از درون آن را پوک و تهی می‌سازد، جسم و جان آدمی را به تحلیل برده و رفته رفته به ویرانی و سقوط می‌کشاند.

این غریزه چنانچه در اختیار هوا و هوس بشر قرار گیرد، بلایی است که بر مغز و اعصاب و قوای جسمی و روانی او وارد می‌کند.

شهوت جنسی، غریزه‌ای بسیار مقتدر و بی‌رحم است که اگر با بی‌بند و باری پیروی شود، تمام قوای انسانی را مقهور خویش می‌سازد. نیروی جسمانی و مغز و اعصاب را به سرعت رو به تضعیف می‌برد، ذهن را مسموم، اندیشه را مغشوش و قدرت تصمیم‌گیری و اراده بشری را تباه می‌کند.

پیروی بی‌بند و بار از این غریزه، همت آدمی را پست، فکر را نزدیک نگر و محدود و شخص را در مواجهه با مشکلات حیات و فراز و نشیبهای آن، ناتوان و علیل می‌کند و قلب را که می‌تواند حرم خداوند و جایگاه او گردد، به لانه شیطان و جولانگاه ابلیس تبدیل می‌سازد.

سخن گرانبهایی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که آن حضرت فرمودند: «پس از خود از سه چیز بر امت خود نگرانم: گمراهی و انحراف پس از معرفت و هدایت؛ حوادث و وقایع گمراه‌کننده و شکمبارگی و شهوترانی»

خطر تهاجم فرهنگی و تجاوز به مرزهای اعتقادی و معنوی ما کمتر از حمله به مرزها و حدود جغرافیایی نیست، که به مراتب از آن حساس‌تر و مصیبت‌بارتر است. مقابله با متولیان و لشکریان تهاجم فکری، همچون مبارزه با متجاوزان ارضی، ضرورت قاطع دارد، استقامت و صبر می‌خواهد، قربانی و شهادت لازم دارد، سلاح و مهمات و نقشه و تدبیر می‌طلبد. سلاح این میدان، اسلحه گرم و سرد نیست، حربه آن، دانش و بصیرت و تقواست که مسلح شدن به آن، جز با روی گردانی از شهوت پرستی و بی‌بند و باری میسر نیست.

کنترل

کنترل این گزینه به دو صورت ممکن است تحقق پذیرد،

- ۱- کنترل منفی.
- ۲- کنترل مثبت.

کنترل منفی

غالباً وقتی سخن از کنترل گزینه جنسی به میان می‌آید، توجه اشخاص به سمت و سوی نوع منفی آن جلب می‌شود. و آن این است که کسی با وجود تحریکات مختلف و مواجهه با عوامل انگیزش این گزینه، بخواهد با میل تحریک شده اش مبارزه و مقابله کند و به سوی ارتکاب جرم نرود، چنین کاری گرچه قطعاً بهتر از آرایش دامن و عمل به جرم است، ولی پیامدهای سوء و مخرب آن بر کسی پوشیده نیست. این کار هم به غایت دشوار است و هم زیانبار، و بدین جهت هرگاه شخصی به کنترل گزینه سفارش می‌شود، با چنین برداشتی از آن، و تصور دشواری و زیانباری آن، از پذیرفتن چنین توصیه‌هایی سر باز می‌زند.

کنترل مثبت

مطلوب‌ترین راه تسلط بر گزینه جنسی، کنترل مثبت است. و آن پرهیز از صحنه‌ها و کارهایی است که به تحریک این گزینه می‌انجامد.

این نوع از کنترل، که در حقیقت جنبه پیشگیری دارد هم راحت است و هم بی‌زیان و بلکه مفید و راحت است، زیرا در این صورت همچون وسیله نقلیه‌ای است با سرعت معمولی و قانونی، که در مواجهه با خطر، مهار حرکت آن زحمت چندانی ندارد، بر خلاف ماشینی که با سرعتی بسیار فراتر از حد شناخته شده و بایسته خود سیر می‌کند. که چه بسا به کلی اختیار آن از دست صاحبش بیرون رفته و مصیبت‌ها به بار آورد و کنترل آن هم در صورت تحقق، صدها زیان و رنج و زحمت و اضطراب برای وسیله و صاحب آن به همراه دارد.

و بی‌زیان است، زیرا با این حال کنترل گزینه فشاری بر جسم و روان تحمیل نمی‌کند تا به آن صدمه‌ای وارد شود.

و مفید است چون موجب می‌شود مغز و اعصاب و قوای بدن در حالت عادی به سر برند و تعادل روانی شخص محفوظ بماند و انرژی و سرمایه‌های جسمی و روحی او بیهوده مصرف نشوند. پیش از این نیز از قرآن کریم نقل کردیم که باید کسانی که قدرت و وضعیت مساعد برای ازدواج ندارند عفت پیشه کنند و عفت در این آیه گرچه در ابتدا مفهوم عمل خاصی منافی با

آن را دارد، ولی با تأمل بیشتر معلوم می‌شود که آیه کریمه معنایی عام دارد و عفت در همه اعضا و اندام را شامل است. و اکنون طرق کنترل مثبت را به اختصار برمی‌شمریم:

۱- پرهیز از فکر و ترسیم صحنه‌های محرک در ذهن و خیال.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت علیه السلام فرمود:

عیسی به اصحاب خود گفت: ... موسی به شما دستور داد که زنا نکنید و من به شما دستور می‌دهم که فکر زنا هم در سر نپورانید تا چه رسد به اینکه زنا کنید زیرا کسی که خیال زنا کند مانند کسی است که در خانه‌ای نقش و نگار شده دود و آتش به پا کند. چنین کاری گرچه خانه را نمی‌سوزاند ولی زینت و صفای آن را مکدر کرده و فاسد می‌کند. «

۲- دوری از نگاههای مسموم و مناظر تحریک آمیز.

قرآن کریم در دو آیه متوالی دستور به اغماض و نگهداری چشم از نگاه حرام و هوس آلود داده است. در آیه اول می‌فرماید:

«قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم...»؛

به مؤمنان بگو دیدشان - را از نامحرمان - فرو نشانند و نهانگاههای خود را - از وقوع در حرام - نگه دارند.

و در آیه بعدی می‌فرماید:

«و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهنّ و یحفظن فروجهنّ...»؛

به زنان مؤمن بگو - چشمهایشان را فرو گیرند و نهانگاههای خویش را محافظت کنند. «
جالب این است که در هر دو مورد خداوند متعال نخست دستور به مراقبت از نگاه محرک و عفت چشم می‌دهد و آنگاه به حفاظت از عورت فرمان داده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

نگاه هوس آلود - تیری است مسموم از تیرهای شیطان. هر کس آن را به جهت خوف الهی

ترک کند، خداوند ایمانی به او می‌بخشد که حلاوت آن را در قلب خود احساس می‌کند. «

۳- گوش ندادن به آوازاها و موسیقی‌های تحریک کننده و مبتذل.

در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام آمده است:

مردی از آن حضرت در باره شنیدن آواز محرک پرسید. حضرت از آن نهی کرده و این آیه را خواندند: «به یقین گوش و چشم و دل هر یک مورد سؤال خواهند بود و فرمود: گوش از آنچه شنیده و قلب از آنچه بدان دل بسته و چشم از آنچه دیده است مسئول بوده و بازخواست خواهند شد.»

۴- اجتناب شدید از گفتگوهای دوستانه و نشست‌های غفلت‌زا و معاشرت با

دوستان ناباب و گوش سپردن به سخنان تحریک آمیز.

از حضرت امام باقر علیه السلام این گونه روایت شده است:

هر کس به سخن گوینده‌ای گوش فرا دهد او را بندگی کرده است، پس اگر ناطق از خدا بگوید شنونده، خداوند را بنده شده و اگر از شیطان و سخنان شیطانی بر زبانش جاری کند قطعاً بندگی شیطان کرده است.

۵- اعتدال در خوردن. بی‌تردید پرخوری و بی‌نظمی در خوردن در ذخیره سازی و

انباشتن موادی که نیازمند تفریح باشد مؤثر است، ولی در صورت اعتدال و کم خوری سهم ناپیزی از آن صرف تهیه آن مواد می‌شود.

در حدیثی که قبلاً از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کردیم، آن حضرت پس از آنکه جوانان را به ازدواج ترغیب می‌کنند می‌فرمایند:

هر کس قدرت بر ازدواج ندارد و روزه بگیرد یقیناً روزه نیروی غریزه او را تضعیف می‌کند،

۶- اشتغال، ورزش و سرگرمیهای مفید. زیرا با وجود فراغت، هم مواد غذایی در تقویت

غریزه به مصرف می‌رسد و هم فکر و خیال مصروف چاره سازی در تفریح آن می‌شود. و لذا در روایات بر اشتغال و کار و پرهیز از فراغت تأکید بسیار شده است.

حضرت امام صادق علیه السلام در حدیث پر دامنه «مفضل» می فرماید:
 و همین گونه انسان اگر بی کار و فارغ باشد، به بیهودگی و سرمستی دچار می شود و
 بر اثر آن به مسایلی مبتلا می شود که زیان آن هم بر خود و هم بر نزدیکان او سنگینی
 خواهد کرد...»

۷- تلاوت قرآن. بی شک انس با قرآن، تلاوت، تدبر و تفکر در مضامین آن، خود شفای هر
 دردی است که به سرعت کار هر پریشانی را رو به سامان می برد و زخمهای پنهان را التیام
 می دهد، و همتها را تا آسمانها بالا می برد و بشر را از فرو رفتن در عالم حیوانات را نجات
 می بخشد.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

قرآن را فرا گیرید زیرا قرآن بهار دلهاست و از نور آن بر مرضها و دردهای خود مرهم
 بگذارید زیرا آن داروی شفا بخش سینه هاست و آن را نیکو تلاوت کنید که به یقین
 سودمندترین قصه هاست.»

خلاصه اینکه: راه حل دین در خصوص نوع مقابله و مواجهه به غریزه جنسی نخست ازدواج
 و نکاح مشروع است و در صورت عدم امکان، کنترل مثبت با شرحی که بیان شد و سپس
 کنترل منفی با وجود همه زیانهای آن، ولی هیچ گاه به بی بند و باری و افسارگسیختگی و
 آلودگی به گناه رضایت نمی دهد و زیان آن را به مراتب خسارت بارتر و ویرانگرتر از ضرر کنترل
 منفی می داند.

پیشگیری و درمان

در دین ما اسلام خودارضایی امری حرام و ناپسند به شمار آمده است، اما توجه داشته باشید که داشتن احساس گناه صرف در این مورد، کمک چندانی به شما نخواهد کرد بلکه علاوه بر آن شما باید سعی کنید با یک برنامه ریزی منظم و البته داشتن آگاهی کافی در زمینه درمان، برای بهبود و ترک این عادت رفتاری ناپسند اقدام داشته باشید.

برای درمان کسانی که مبتلا به مشکل خودارضایی هستند در دو قسمت باید کار شود. یکی در قسمت جسمانی و دیگر در بخش عقلانی و طرز تفکر که عبارتند از:

۱- ورزش: داشتن برنامه منظم ورزش جهت غلبه کردن بر انرژی جنسی در این دوران، لازم و ضروری است.

۲- تغذیه: تغذیه صحیح نوجوان و خودداری از مصرف برخی غذاهای تحریک کننده مانند زیاد مصرف کردن گوشت قرمز و تخم مرغ، چای، قهوه زیاد، فلفل، سسهای تند و هر نوع ادویه. در مقابل مصرف ماهی و مرغ، میوه جات، انجیل، دوغ و... بسیار مفید است.

۳- خودداری از پوشیدن لباسهای بسیار تنگ و چسبان.

۴- توجه به بستر خواب: توجه به بستر خواب و ایجاد شرایط مناسب برای خوابیدن. مثلاً حتماً قبل از خوابیدن مطالعه داشته باشند و با خستگی به رختخواب بروند در ضمن توجه داشته باشند که حتماً تشکشان سفت باشد و در صورت امکان تنها در اتاقشان بخوابند.

۵- پر کردن اوقات فراغت: از طریق مطالعه کردن مطالب متفرقه اما مناسب، انجام کارهای فوق برنامه و هنری یا فنی و داشتن یک برنامه منظم برای گذراندن ساعات روز بسیار مهم است.

۶- برخاستن از رختخواب: همواره به نوجوانان دارای این مشکل توصیه می‌شود که به محض بیدار شدن از خواب از رختخواب جدا شده و یک دوش آب گرم گرفته و به تمرینات ورزشی و نرمش‌های بدنی و... استمرار داشته باشید.

۷- به نوجوانانی که مبتلا به خودارضایی هستند توصیه اکید می‌شود که علاوه بر در نظر گرفتن موارد ذکر شده برای درمان مشکل خود حتماً از خدمات مشاوره و روانشناسی بهره‌مند گردند و مطمئن باشند که با پشتکار و اعتماد به نفس می‌توانند این عادت ناپسند را ترک کنند.

کنترل میل جنسی

پیشاپیش به نوجوانان تأکید کنید که کنترل به معنی "سرکوب" نیست. به آنها بگوئید:

- ۱- غذاهای گرم مثل شکلات و... کمتر مصرف کنید.
- ۲- حرارت زیاد در رختخواب هم موثر است (منظور اینکه باعث افزایش میل جنسی می شود).
- ۳- چیزهایی مثل الکل، سیگار، کافور، ورزش زیاد، داروهای اعصاب و غیره در کاهش نیروی جنسی موثر است. اما سیگار و الکل و مصرف بیش از حد داروهای اعصاب که نیز برای بدن ضرر دارد.
- ۴- سعی کنید به هنگام خواب شکم شما بیش از حد معمول پر نباشد.
- ۵- از پوشیدن لباس های تنگ و چسبان اجتناب کنید.
- ۶- از نگاه کردن به مناظر، فیلم ها و تصاویر تحریک کننده جداً خودداری کنید و به محض مواجه شدن با این امور چشم خود را بسته و یا به زمین و یا آسمان نگاه کنید دوستان اینترنت مطالب خوبی دارد که لزومی ندارد تصاویر منحرف را نگاه کنید.
- ۷- از شنیدن و خواندن مباحث و مطالب جنسی و حتی شوخی های جنسی و تحریک کننده و فکر کردن در این امور جداً پرهیز کنید.
- ۸- از خوردن مواد غذایی که محرک است مانند: خرما، پیاز، فلفل، تخم مرغ، گوشت قرمز، غذاهای پرچرب، حتی المقدور اجتناب و به میزان ضرورت اکتفا کنید.
- ۹- قبل از خواب حتماً مثانه خود را تخلیه نمایید.
- ۱۰- از نوشیدن افراط گونه آب و مایعات پرهیز کنید (به خصوص شبها و قبل از خوابیدن)
- ۱۱- هیچ گاه بدن عریان خود را در آینه نگاه نکنید.
- ۱۲- از دست ورزی اندام جنسی خود اجتناب کنید و به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی دست ورزی نکنید مخصوصاً هنگامی که در رختخواب هستید.
- ۱۳- هرگز به رونا خوابید.
- ۱۴- به منظور تخلیه انرژی زاید بدن به طور منظم و زیاد ورزش کنید.

- ۱۵- هیچ گاه بیکار نباشید و برای اوقات فراغت خود برنامه داشته باشید و آن را با مطالعه، ورزش، زیادت عبادت کتاب و... پر کنید.
- ۱۶- هرگز در مکانی خلوت و تنها و دور از نظر دیگران نباشید.
- ۱۷- هرگاه مورد هجوم افکار جنسی واقع شدید، در مکان خلوت و دور از نظر دیگران بسر نبرید بلکه در مجالس عمومی وارد شوید و در آنجا به سر برید بهترین روش پیشنهادی در این حالت این است که به دوستانتان تلفن زده و با آنها مدتی صحبت کنید.
- ۱۸- هفته‌ای یکی دو روز روزه مستحبی بگیرید و اگر توان آن را ندارید روزه اخلاقی بگیرید؛ یعنی، میزان صرف غذا را کاهش و فاصله هر وعده غذا را افزایش و تعداد دفعات غذا را کاهش دهید و به حداقل خوراک اکتفا کنید.
- ۱۹- با نامحرم رفتار متکبرانه داشته باشید و از سخنان ملایمت آمیز با آنها خودداری کرده واز نرمی و لینت در کلام با آنها اجتناب ورزید.
- ۲۰- هیچ گاه با نامحرم و جنس مخالف در مکان خلوت و دور از نگاه دیگران باقی نمانید، حتی برای آموزش و...
۲۱- قرآن زیاد بخوانید و درباره معانی آیات آن فکر کنید.
- ۲۲- تا قبل از اینکه شما را خواب نگرفته به رختخواب نروید (سعی کنید زمانیکه می‌خواهید به رختخواب بروید با خواندن کتاب یا تماشای تلویزیون افکار جنسی را از خود دور کنید). به محض بیدار شدن رختخواب را ترک کنید.
- ۲۳- اگر قصد استحمام دارید و مورد هجوم افکار جنسی واقع هستید از استحمام خودداری کنید.
- ۲۴- گشنیز: چند روز متوالی روزانه ۳۰ گرم آب گشنیز خام تناول شود. یا اینگه گشنیز به آلت مالیده شود، یا اینگه روزانه و در غذای روزانه از گشنیز استفاده شود.
- ۲۵- عدس: مقداری عدس پخته لااقل روزی یکبار با غذا میل شود.
- ۲۶- به محض بیدار شدن رختخواب را ترک کنید.
- ۲۷- طرد افکار شیطانی: مشکل‌ترین مرحله‌ی رویارویی با انحراف جنسی، سالم سازی اندیشه و پرهیز از افکار شهوانی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:
«کسی که در اطراف گناه بسیار بیندیشد، سرانجام به آن کشیده خواهد شد» .

درمان و ترک خیال پردازی‌های سکسی نوجوانان

اگر از نوجوان مدتی طولانی درگیر افکار جنسی و خیال پردازی‌های سکسی است، هرگز در ابتدای کار نمی‌تواند، خود را از این خیال پردازی‌ها بازدارد، مگر آن که جایگزین مناسبی را برای آن در نظر بگیرد. باید افکار و خیالات جنسی و داستان‌هایی سکسی را که در ذهن خود می‌پرورد، با فکر دیگری جایگزین کند. این جایگزین هر چه هست، باید آن قدر برایش جذاب باشد که تمام فکر و ذهن او را مشغول سازد. بدیهی است که تشخیص آن با خوداوست. ممکن است خواندن کتاب یا رمان برایش جذاب باشد. در این مثال وی رمان مورد نظر را انتخاب کرده، و هر روز چند دقیقه صبح و شب (بعد و قبل از خواب) و همچنین در طول روز در اوقات بیکاری به مطالعه آن بپردازد. بدین ترتیب ذهنش به جای سیر در خیالات سکسی، در شخصیت‌ها، اتفاقات و موضوع داستان یا کتابی که آن را مطالعه کرده، درگیر خواهد شد.

یک نکته مهم: دقت شود جایگزینی را که انتخاب می‌کند تحریک کننده نباشد و او را دوباره به وضع سابق برنگرداند. در موضوع دیگری که نوجوان را از خیالات سکسی و حتی خودارضایی باز می‌دارد **یاد مرگ و قیامت** است. به طور کلی یکی از مشکلات اساسی که موجب گناه و رفتارهای نادرستی همچون خودارضایی می‌شود، ذهن آلوده و آکنده از خواطر است. یاد مرگ به پاک شدن ذهن و نفی خواطر کمک می‌کند. با نفی خواطر قلب به تسخیر خود انسان در می‌آید و ضمیر آلوده پاک می‌گردد.

به توصیه عارفان و اساتید اخلاق، یاد مرگ برای ریشه کن کردن و اصلاح بسیاری از صفات زشت در انسان به عنوان یک داروی اعجازگر عمل می‌کند. در روایتی از پیامبر اسلام درباره یاد مرگ آمده است که اگر کسی روزانه بیست بار به یاد مرگ باشد با شهیدان جنگ بدر در یک درجه قرار می‌گیرد.

روش حمام رفتن :

قبل از استحمام: نوجوان قبل از این که به حمام برود، وسایل لازم را فراهم کند. شورتی نسبتاً بلند و پاچه دار که محرک نیز نباشد، تهیه کند. قبل از شروع حمام و بعد از آوردن لباس‌ها همیشه این شورت را بپوشد. هرگز داخل حمام کاملاً برهنه نباشد و اندام جنسی اش نمایان نباشد.

زمان استحمام: سریع حمام کند. نباید حمامش طول بکشد. برای این منظور می‌تواند زمان گرفته و تلاش کند تا رکورد کمترین حضور خود در حمام را به دست آورد. حمام جای نشستن و فکر کردن نیست. حمام برای نوجوان محل حضور شیاطین است و از در و دیوار آن وسوسه می‌بارد. پس تنها باید به میزان ضروری آن اکتفا کرد. از صحبت، حرف و حدیث‌ها و طعنه‌های دیگران نسبت به سریع بودن استحمام خود هرگز دلگیر نشود. شاید لازم باشد برای این کار برخی از مراحل استحمام خود (لیف زدن، کیسه کشیدن، سنگ پا زدن و...) را حذف کند. البته به نظافت اهمیت دهد. زود به زود به حمام بروید اما سریع و تند. حد اکثر ۵ دقیقه زمان خوبی است. برای موفقیت در این کار برای شستن تک تک اعضای بدن زمان بگیری ثانیه‌ها را بشمارد. سعی کند هر بار نسبت به مرتبه قبلی زمان کمتری را صرف کند. برای شمارش ثانیه‌ها از عدد هزار شروع کند. گفتن ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳ و... هر کدام یک ثانیه طول می‌کشد و بدین ترتیب زمان واقعی تری را محاسبه خواهید کرد.

شستشوی لباس در حمام : لباس‌های خود را در حمام نشوید، ولو خیلی هم کم باشد. در صورتی که برایش امکان لازم فراهم نیست و برای شستشوی لباس مجبور است از حمام استفاده کند، در زمانی که برای استحمام به حمام می‌رود این کار را نکند. بلکه وقت خاصی را در روزهای هفته به این کار اختصاص دهد. سپس در این اوقات خاص در حالی که در حمام را کاملاً باز گذاشته است و لباس به تن دارد به شستشو بپردازد.

یک توصیه مهم بهداشتی این است که هنگام شستشوی لباس حتماً روی یک صندلی کوچک بنشیند. سر پا نشستن آن هم به مدتی طولانی موجب بیرون زدن ماهیچه‌های راست روده و به مرور سبب ابتلا به بواسیر می‌شود. هنگام شستن لباس، پوشیده باشد. حتی پیراهن خود را هم در نیاورد. حداکثر می‌تواند آستین و پاچه‌های شلوار خود را برای این که خیس نشود بالا بزند.

وسایل داخل حمام: در حمام آینه قدی یا متحرک به طوری که بتواند اندام جنسی خود را در آن برانداز کند، وجود نداشته باشد. دیدن زیبایی اندام جنسی، فکر و خیال او را به سوی خیال پردازی‌های سکسی و نیز تحریک و برافروخته شدن هیجان جنسی سوق می‌دهد. اگر چنین آینه‌ای وجود دارد، قبل از آن که لباس را در آورد و استحمام را شروع کند، آن را از حمام خارج نماید.

اگر در حمام شما وان وجود دارد، از آن استفاده نکند. او وقت زیادی برای نشستن در وان حمام و لذت بردن از گرمای آب ندارد (دمای آب مناسب برای تحریک نشدن اندام جنسی، آب سرد است نه گرم).

نظافت موهای زائد: معمولاً برای مکان نظافت موهای زائد بدن، حمام را در نظر می‌گیرند. این کار به خودی خود اشکال ندارد اما برای کسی که مبتلا به خود ارضایی است، این روش فقط در صورتی جایز است که به توصیه‌های زیر عمل کند:

الف - هرگز از تیغ برای زدودن موهای زائد استفاده نکند، به استثنای موهای زیر بغل.

ب- هرگز از مواد دارویی خمیری یا... (پودرهای موبر، موم، کرم‌های موبر و...) که عملکرد تاخیری دارند، استفاده نکند. لازمه استفاده از این مواد این است که او مدتی طولانی را بیکار بماند (حتی یک دقیقه بیکار بودن هم برای او طولانی به حساب می‌آید). طبیعی است که افکار مختلفی به سراغش خواهد آمد و با توجه به این که در این حالت کاملاً برهنه است، تحریک شده و کاری را که نباید، انجام خواهد داد.

ج- زمانی که برای زدودن موهای زائد بدن برهنه می‌شود به حالت چهار زانو بنشیند. حتی المقدور سعی کند ایستاده این کار را انجام دهد و اگر نمی‌تواند، روی صندلی بنشیند.

د- اگر از پودر موبر یا امثال آن استفاده می‌کند، بعد از زدوده شدن موهای زائد، محل مربوطه بسیار لیز و لغزنده خواهد شد. این لغزندگی هم محرک است و هم به سادگی از بین نمی‌رود. لذا در بسیاری از موارد افراد در همین مرحله تحریک شده و به خود ارضایی می‌پردازند. بنابراین مراقب باشد و از این پودرها استفاده نکند.

ه- پاک کردن کامل و ذره بینی اندام جنسی از موهای زائد، وحی منزل و اجباری نیست. اگر چنین کنید بعد از تمام شدن حمام پیوسته تمایل دارد بخش تمیز شده اندام خود را لمس کرده و با آن بازی کند، لذا تحریک می‌شود. اگر هم خودش لمس نکند، با لباس تحریک می‌شود. این تحریک مقدمه نیرومندی برای خود ارضایی خواهد بود. پس لازم نیست موهای

خود را با دقت فراوان بزادید. علاوه بر این که ممکن است به بافت حساس پوست آن قسمت آسیب هم برساند.

یکی از راه‌های خوب برای استفاده از این فرصت زمانی آن است که اشعار مناجات زیبایی برخی از مداحان با خدا یا... را قبل از حمام روی کاغذ نوشته و هنگام حمام آن را با خود بردارد. اگر کاغذ خیس شود به راحتی به دیوار حمام می‌چسبد. کاغذ را به دیوار حمام چسبانده و با اشعار مناجات با خدا به تمرین مداحی و آواز در حمام بپردازد. مطمئن باشد این کار برایش خیلی لذت بخش خواهد بود. علاوه بر این پس از مدتی در مداحی و آوازخوانی مهارتی به هم خواهد زد و اشعار زیادی را نیز از حفظ خواهد داشت. در حین تمرین آواز یا مداحی دستانش را نیز به کاری مشغول کند و هرگز با آن به لمس اندام جنسی خود نپردازد. می‌تواند در این فاصله به شستشوی دیوار و کف حمام بپردازد یا... .

بهترین وسیله استفاده از ماشین اصلاح با نمره یک است (نمره کمتر از یک مانند صفر مناسب نیست). با ماشین اصلاح بیشتر فعالیت خود را می‌تواند در حالت ایستاده انجام دهد. در حالت ایستاده بخشی از انرژی ذهنی‌اش، صرف حفظ تعادل می‌شود، لذا کمتر تحریک می‌شود. اندازه موهای کوتاه در این حد نیز او را تحریک نمی‌کند. از طرفی ماشین اصلاح وقت کمتری را می‌گیرد. هرگز اجازه ندهد موهای زائد بدنش بیش از حد بلند شود. گذشته از صرف بخشی از پتانسیل رشد موی بدن، موهای بلند بهترین محل برای رشد انگل‌ها، ویروس‌ها، قارچ‌ها، و انواع میکروب‌هاست؛ به ویژه آن که مرطوب و تاریک هم باشد. معمولاً بعد از دستشویی (توالت)، محل اندام جنسی مرطوب می‌ماند که در دراز مدت مشکل‌آفرین است. موی بلند ایجاد خارش می‌کند. لذا اگر او هم نخواهد باز دستانش به سوی اندام جنسی‌اش دراز خواهد شد و کار از کار می‌گذرد. بنابر این زمینه این خارش را از بین ببرد. همچنین موی بلند شخص را علاقمند می‌کند تا در خلوت با موهای خود بازی کند و با دست پیوسته بلندی آنها را اندازه بگیرد. لذا زمینه خوبی را برای بازگشت به خودارضایی فراهم می‌کند.

رطوبت اندام جنسی: رطوبت در محل اندام جنسی بیماری‌زا و نیز تحریک‌آفرین است. نوجوان نباید اجازه دهد اندام جنسی‌اش مرطوب بماند. بعد از استحمام خوب این محل را خشک کند؛ حتی بعد از توالت نیز بادش نرود. خانم‌ها خیلی بیشتر باید به این نکته توجه کنند چرا که به دلیل حساسیت واژن زمینه مساعدتری برای بیماری‌های تناسلی دارند. بنابراین حتماً دستمال کاغذی مخصوص در توالت وجود داشته باشد و بعد از هر بار شستشو، خود را کامل خشک کنند.

لباس‌های اعضای خانواده: نوجوان وقتی که در حمام است، به لباس‌های سایر اعضای خانواده که ممکن است در گوشه و کنار حمام پراکنده باشد، توجه نکند. لزومی ندارد لباس زیر برادر یا خواهر خود را بشوید. ایثار و کمک به دیگران برای لباس بیرون خوب است اما در شستن لباس زیر معنا ندارد. حتی برخی با تمایلات مردانه یا زنانه لباس جنس مخالف اعضای خانواده را به تن می‌کنند و به تحریک جنسی خود می‌پردازند، غافل از این که این کار چه خطراتی در بردارد اعضای خانواده نباید لباس زیر خود را به گونه‌ای در حمام یا روی بند آویزان کنند که در معرض دید برادر، خواهر و سایر اعضای خانواده باشد، حتی اگر به آنها اعتماد کامل داشته باشند

۳۰- پر کردن اوقات فراغت با مطالعه، تفریح، مسافرت و غیره.

۳۱- کنترل چشم:

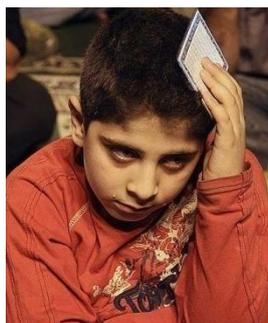
نگاه راهبر دل و دام شیطان و بذر شهوت است. برای مهار غریزه جنسی باید از دیدن آن چه که میل جنسی را تحریک می‌کند، خودداری کرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«بهترین عامل روگردانی از شهوات، فرو بستن چشم‌ها است».

۳۲- عدم آمیختگی دختر و پسر: همنشینی دختر و پسر و هم‌سخن شدن و خلوت کردن با یکدیگر زمینه لغزش را فراهم می‌کند.

۳۳- کم‌خوری: یکی دیگر از راه‌های کنترل غریزه جنسی، دوری از پر خوری است. از این رو در روایات اسلامی از روزه‌داری به عنوان عامل تعدیل غریزه جنسی یاد شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ای جوانان، هر یک از شما قدرت ازدواج دارد، ازدواج کند. اگر قدرت ندارد روزه بگیرد، زیرا روزه گرفتن برای کنترل شهوت مفید است».



۳۴- یکی از راه‌های آرام کردن طوفان غریزه جنسی در انسان، ورزش و فعالیت بدنی است، زیرا ورزش مقدار فراوانی از انرژی‌های بدنی و فکری انسان را به خود اختصاص می‌دهد و از مسایل دیگر کم می‌کند.

۳۵- آخرت گرایی: توجه به پاداش اخروی دربارهی کسانی که دامن خود را از گناه پاک داشته‌اند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که به بهشت علاقه دارد، خواهش‌های نفس و شهوات را فراموش کند».

۳۶- یاد مرگ: رسول خدا صلی الله علیه و آله اصحاب خود را درباره‌ی مرگ بسیار سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «زیاد مرگ را یاد کنید، زیرا یاد مرگ شکننده‌ی لذات نفسانی و مانع میان تو و شهوات است»

برای کنترل غریزه خود راهکارهای عملی زیر را نیز مورد توجه قرار دهید:

- ۱- هفته‌ای یکی دو روز روزه مستحبی بگیرید.
- ۲- هر روز به منظور تخلیه انرژی جسمانی خود به مقدار زیاد ورزش کنید.
- ۳- اوقات فراغت خود را با انجام کارهای هنری، فنی، و... پر کنید.
- ۴- در خوردن مواد غذایی انرژی‌زا و محرک مثل، خرما، پیاز، فلفل، تخم‌مرغ و... به حداقل لازم اکتفا کنید.
- ۵- از تماشای رفتارها و برجستگی‌های بدن خود و دیگران و صحنه‌های تحریک کننده جداً خود داری کنید.
- ۶- برای تمام اوقات شبانه روز خود برنامه‌ای منظم و تدوین کنید و هیچ زمانی را بدون برنامه قبلی سپری نکنید زیرا برای آن اوقات شیطان برنامه‌ریزی می‌کند.
- ۷- با شرکت در مجالس مذهبی، دعا، خواندن نمازهای نافله و نافله شب پیوسته در صدد تقویت نیروی ایمان خود باشید.
- ۸- پرهیز از فکر و ترسیم صحنه‌های محرک در ذهن و خیال.
- ۹- گوش ندادن به آوازاها و موسیقی‌های تحریک کننده و مبتذل.
- ۱۰- اجتناب شدید از نشست‌های غفلت‌زا و معاشرت با دوستان ناباب و گوش سپردن به سخنان تحریک آمیز.
- ۱۱- تلاوت قرآن. بی‌شک انس با قرآن، تلاوت، تدبر و تفکر در مضامین آن، خود شفای هر دردی است که به سرعت کار هر پریشانی را رو به سامان می‌برد و زخم‌های پنهان را التیام می‌دهد و همت‌ها را تا آسمان‌ها بالا می‌برد و بشر را از فرو رفتن در عالم حیوانات نجات می‌بخشد.

نقش تنفس عمیق در کنترل میل جنسی

میل جنسی یکی از موهبت‌های الهی و از نعمت‌های خدادادی شماسست برای تنازع بقا. حتی میل جنسی را یکی از نیروهای درونی و حیاتی بشری دانند که اگر کنترل و تعدیل شود، یک رکن موفقیت به حساب می‌آید. " ناپلئون هیل " روان شناس مشهور در کتاب معروف خود "ببیندیشید و ثروتمند شوید"، میل جنسی را یکی از سه ضلع موفقیت می‌داند. آنچه ما درصدد کنترل آن هستیم، میلی است که هدفدار نیست و در جهت مثبت قرار ندارد.

همه‌ی امیال، مثبت و مفیدند. همه‌ی امیال، موهبت الهی اند اما به شرط آن که مهارشان کنیم و به کنترلشان درآوریم و از آن‌ها درست استفاده کنیم. افراط درارضای میل جنسی و کنترل نکردن آن، هم تعادل عصبی شما را برهم می‌زند و هم از بخش عظیمی از نیروهای حیاتی و قوای مغناطیسی شما می‌کاهد. جالب این که میل جنسی تنفس را تند و سطحی می‌کند. هر بار که میل جنسی، نه در جهت مثبت و درست، در شما طغیان کرد، یک شیوه‌ی کنترل، آن است که مکان و وضعیت خود را تغییر دهید و چند نفس عمیق بکشید.

ما " پیاده روی تند همراه با تنفس‌های عمیق " را در این مواقع به شما توصیه می‌کنیم.

*حد و حدود روابط پسر و دختر در اسلام

تعریف رابطه دختر و پسر

۱. مراد از روابط دختر و پسر، رابطه‌ای است که خود رابطه، هدف است و مقدمه چیز دیگری نیست. رابطه‌ای که خود رابطه هدف نیست، همانند رابطه و معاشرت دختر و پسر که نسبت خویشاوندی دارند و یا رابطه علمی، شغلی و اقتصادی بین دختر و پسر، اشکالی ندارد. هر چند چون احتمالاً تبدیل چنین رابطه‌هایی به رابطه‌ای که اصالت دارد زیاد است، اسلام برای این نوع رابطه هاهم شرایطی گذاشته است و آنها را محدود به ضرورت می‌کند آنهم بدون قصد لذت یا خوف به گناه افتادن.

۲. در این رابطه، جنسیت طرفین، موضوعیت دارد؛ یعنی نگاه آن دو به هم، جنسیتی است.

۳. در این رابطه، احساسات و عواطف طرفین، حرف اصلی را می‌زند.

۴. در این رابطه، یک در هم تنیدگی بین غریزه جنسی و قوای عاطفی طرفین وجود دارد و

تفکیک آن دو در بسیاری از مواقع، امکان‌پذیر نیست.

پس منظور ما از رابطه و دوستی دختر و پسر، «رابطه‌ای است صمیمانه و گرم و اغلب پنهانی که احساسات و عواطف طرفین در این ارتباط، دخالت جدی دارد و نگاه آن دو به هم،

نگاه جنسیتی باشد؛ نه نگاه پاک انسانی و اغلب از طریق دیدارهای مخفیانه، رد و بدل کردن نامه، تلفن و... ایجاد می‌گردد».

سه دیدگاه در باره رابطه دختر و پسر وجود دارد:

۱. دیدگاه افراطی؛ در این نگرش، هر گونه ارتباطی با جنس مخالف، آزاد و بدون مانع است (رویکرد لیبرالیستی).

فروید و پیروان وی مدعی هستند که اخلاق جنسی کهن، بر اساس محدودیت و ممنوعیت است و تمام مشکلات بشر به دلیل ممنوعیت‌ها، محرومیت‌ها، ترس‌ها و وحشت‌های ناشی از این ممنوعیت‌هاست که در ضمیر باطن بشر جایگزین شده است.

برتراند راسل نیز همین مطلب را اساس قرار می‌دهد و در کتاب «جهانی که من می‌شناسم»، می‌گوید: «اگر از انجام عملی [رفتار جنسی] زیانی متوجه دیگران نشود، دلیلی نداریم که ارتکاب آن را محکوم کنیم».

۲. دیدگاه تفریطی؛ بر پایه این رویکرد، هر گونه ارتباط و پیوند با جنس مخالف، مردود و مورد نکوهش می‌باشد. این دیدگاه، نقطه مقابل دیدگاه افراطی است.

راسل در جای دیگر می‌گوید: «پدران کلیسا از ازدواج به زشت‌ترین صورت یاد کرده‌اند. هدف ریاضت این بوده که مردان را متقی سازد. بنابراین، می‌گفتند: ازدواج که عمل پستی شمرده می‌شد، بایستی منعدم شود».

۳. دیدگاه اعتدالی؛ بر اساس این دیدگاه، نه آزادی مطلق و رها پذیرفته شده است و نه محدودیت و منع هرگونه رابطه؛ بلکه ارتباط بین دو جنس مخالف، در یک چهارچوب مشخص، تعریف شده است.

ارتباط مجاز، ارتباطی است حداقلی و به دور از هر گونه انگیزه شهوی و عاطفی و رابطه‌ای است که در آن، نفس رابطه مقصود نباشد و نگاه دو جنس به هم، نگاه انسانی باشد و نه جنسیتی. دیدگاه اسلام، ناظر به نگرش سوم، یعنی دیدگاه اعتدالی است.

اسلام به اهمیت و ارزش فوق‌العاده پاکی و سلامت شخصیت دختر و پسر و لزوم رعایت حقوق فرد و جامعه در ارتباط‌ها، نگاه‌ها، شنیدن‌ها و مکالمات مستمر تأکید دارد و به هیچ عنوان راضی نمی‌شود که حریم قدسی دختر، خدشه بردارد یا پسر از دایره عفت و پاکی خارج شود. اما دنیای امروز، تحت تأثیر فرهنگ غربی، به نام آزادی (: «آزادی روابط»)، روح پاک جوانان دختر و پسر را سرگردان و گرفتار هیجانات بیهوده می‌کند. آزادی مورد نظر هم به جای

این‌که به شکفتن استعدادها و خلاقیت‌ها کمک کند، موجب هدر رفتن نیروها و استعدادهای شاداب جوانی شده و جوانان را از دایره زندگی و اندیشه متعادل، خارج ساخته است.

در جوامع غربی و مقلد غرب، نسل جوان، هدف بیشترین تبلیغات رسانه‌ای برای مصرف بیشتر محصولات تجاری‌اند (لباس‌های مُدِ روز و ماه و سال، لوازم آرایش و خودآرایی، خوردنی‌های جدید، نوشیدنی‌های تازه، فیلم‌ها و آوازهای سُبک یا غیر اخلاقی، مواد انرژیزا و توهم‌زا و...) بدون آن‌که فرصت انتخاب داشته باشند و یا بتوانند آگاهانه از حلقه و گردونه‌ای که درونش قرار گرفته‌اند، خارج شوند.

جامعه دینی، در روابط اجتماعی خود، توجهی ویژه به حصار عفاف و حریم شخصی دختر و پسر دارد. روش اسلام، این است که انسان، معتدل و متعادل زندگی کند و از هر افراط یا تفریطی به دور باشد. خداوند نیز مسلمانان را «امت متعادل» می‌نامد و افراد اجتماع را به روش صحیح زندگی فرامی‌خواند و در مقررات خود، همه جنبه‌های نیاز دختر و پسر را در نظر می‌گیرد. از جمله، دختران را تا حدودی که منجر به زیان‌دیدن و انحراف آنها نشود، از شرکت در اجتماع، نهی نمی‌کند.

اسلام به خطرات ناشی از روابط به اصطلاح «آزاد» دختر و پسر کاملاً آگاه است و نهایت مراقبت را در روابط و برخوردهای دختران و پسران دارد، تا حدی که منجر به انحراف و فساد نشود و طرفدار مشارکت دختران و پسران در جامعه به شکل معقول و با حفظ حریم است.

اسلام، در عین این‌که اجازه شرکت در محافل، مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد و... را به جوانان دختر و پسر می‌دهد، دستور می‌دهد حدود و رعایت شود.

در شرایط مساعد فکری - معنوی که حریم دختر و پسر رعایت شود و جوان، مجال اندیشیدن و انگیزه و امکان به کمال رسیدن داشته باشد، گل‌های زیبایی همچون یوسف علیه السلام و مریم علیها السلام می‌رویند؛ اما در جوامع به اصطلاح بی‌حد و حصر به خاطر همه‌جایی شدن کشش‌ها و انگیزش‌های جنسی و خروج روابط جنسی از حریم خانواده (یعنی نظام اخلاقی ارضای این غریزه)، ما کم‌تر شاهد ظهور چهره‌های خویشتن‌دار و پاکدامن هستیم.

معیارهای اخلاقی برای معاشرت

الف) در نگاه

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرمود:

ای علی! نگاه اوّل، برای نوست چرا که ابزار شناخت است؛ اما نگاه دوم به زیان نوست.»

حقیقت این است که در مناسبات و روابط اجتماعی دختر و پسر، پیشنهاد دین و اصل اخلاقی، ترک نگاه‌های شهوانی دختر و پسر به یکدیگر و پرهیز از لذتجویی‌های بی‌ضابطه و بازی‌کردن با عواطف یکدیگر است.

جوانی که چشمش به جنس مخالف می‌افتد و احیاناً از وی خوشش می‌آید، می‌خواهد که برای بار دوم نیز به وی نگاه کند و لذت ببرد. نوبت اوّل، چون نگاه و تلذذ نیست مانعی ندارد؛ ولی نوبت دوم، چون به قصد لذت بردن از دیگری و بهره‌جویی از سرمایه دیگری است، جایز نیست.

امام صادق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرمود:

نگاه کردن به نامحرم، تیری زهرآگین است که از ناحیه شیطان پرتاب می‌شود.»

و «چه بسیارند نگاه‌های کوتاه و لذت‌های زودگذری که بعدها حسرت‌ها و تأسّف‌های طولانی در پی خواهند داشت!».

با همه این مرزبندی‌ها و سفارش‌های خیرخواهانه، در اسلام، نگاه کردن دختر و پسر به یکدیگر و گفتگوی آنها، چنانچه به قصد خواستگاری و ازدواج (یعنی رفتن به سمت تشکیل کانون خانواده و رسیدن به ثبات و آرامش) باشد، مانعی ندارد.

ب) در پوشش

پوششی که اسلام برای دخترها مقرر کرده است، بدین منظور نیست که جلوی فعالیت‌های اجتماعی آنان را بگیرد و از خانه بیرون نروند. پوشش دخترها در اسلام، این است که دختر در معاشرت خود با پسران، بدن خود را (بجز صورت و دست‌ها) بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

حقیقت، این است که در مسئله پوشش که در روابط دختران و پسران در جامعه به عنوان یک عامل مؤثر مطرح است، یک پرسش جدی پیش روی ماست: آیا برای خودِ دختر، بهتر است که پوشیده (به معنای واقعی آن) در اجتماع ظاهر شود، یا نیمه‌عریان؟ آیا با توجه به احساسات

و کششی که دختر و پسر به یکدیگر دارند و با آسیب‌پذیری جدی عاطفی و محدود بودن قدرت طبیعی دخترها در دفاع از خویش و حریم خویش، باید هر پسری حق داشته باشد که از هر دختری در هر محفلی حداکثر تمتعات را (بجز یک مورد خاص) ببرد یا نه؟ چرا مردان باید آزاد باشند تا همچون کالا به زن بنگرند؟ آیا همین نگرش نیست که نظام خانواده را در غرب، متزلزل کرده است؟ راه حل چیست؟

اسلام با وضع نمودن نوعی مقررات برای پوشش، حفظ سلامت جسم و جان فرد و روح جامعه را تضمین کرده است. به این ترتیب، حجاب زن، حقیقتاً مصونیت‌بخش و پاسدار حریم اوست. مگر نه این‌که: «هر آنچه دیده بیند، دل کند یاد»؟

در آیین اسلام، پسران فقط در موقعی که تشکیل خانواده دادند و آگاهانه انتخاب کردند و مسئولیت پذیرفتند، در کانون گرم و صمیمی خانواده است که می‌توانند با دختر(به عنوان همسر قانونی خود)، پیوند کامیابی برقرار کنند. قبل از آن، نباید فکر و ذهن هیچ دختر یا پسر جوانی به این موضوع، مشغول باشد و مانع فکر و تحصیل و کارهای زندگی او و دیگران شود. در جامعه اسلامی، هر نوع کامجویی بدون قبول مسئولیت یا کامیابی هیجانی و بدون تعقل و تفکر و انتخاب، اساساً ناپسند شمرده می‌شود؛ اصلی که اتفاقاً به تازگی در روان‌شناسی جدید غرب نیز به صورت جدی مطرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. پس می‌توان گفت که اسلام، نه تنها به دختران و پسران جوان به چشم موجوداتی خطرناک که باید محدود شوند، نمی‌نگرد، بلکه حتی گزینه جنسی را نیز در راه تشکیل خانواده و استمرار نسل و آرامش و شادابی (یعنی بهداشت روانی فرد و جامعه) به کار می‌گیرد.

جوان، سرشار از استعدادهاست و غرایز مختلف او (حقیقت‌جویی، علم‌خواهی، زیبایی‌طلبی، آفرینشگری، و...) همگی نیرومندند. کدام انسان خردمندی می‌پذیرد که تمامی این غرایز، در پای گزینه جنسی قربانی شوند؟ اگر بپذیریم که آزادی روابط دختر و پسر، بهداشت روانی آنها و کل جامعه را به خطر می‌اندازد و انضباط اخلاقی آنها و کل جامعه را مختل می‌سازد، ناگزیر باید به سطحی از محدودسازی روابط، تن در دهیم؛ محدودیت‌هایی که برای افراد سالم جامعه، یک انتخاب عاقلانه‌اند و برای بیماران هوس، یک اجبار، تا نتوانند آزادانه از دیگران بهره‌کشی کنند و روح و جسم دیگران را بیزارند.

اولین فایده‌های این روش، امنیت فضای خانواده و اجتماع، ارتقای موقعیت زنان و دختران، شکوفایی استعدادهای مختلف جوانان، و... اند که مهم‌ترین نشانه‌های «بهداشت روانی» یک

جامعه محسوب می‌شوند که زمینه لازم برای تولیدات فکری و صنعتی و توسعه ابعاد مادی و معنوی جامعه است.

ج) در اندیشه و قلب

نبودن حریم بین دختر و پسر، و آزادی در معاشرت‌ها، هیجانات و التهاب‌های جنسی را افزایش می‌دهد و با خارج کردن میل جنسی از تعادل و مسیر طبیعی‌اش، آن را به صورت یک عطش روحی و یک خواست سیری‌ناپذیر و اشباع‌نشده در شکل و تنوع فراوان درمی‌آورد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و پردامنه است که هرچه انسان به آن میدان بیشتری بدهد، آتش آن، شعله‌ورتر می‌گردد و نه خاموش‌تر. مثل افراد آزمندی که هرچه پول بیشتری به دست بیاورند، حریص‌تر می‌شوند.

اسلام به قدرت شگرف این غریزه، توجه کامل کرده و هشدارهای زیادی درباره خطرناک بودن نگاه جنسی بی‌ضابطه و خلوت کردن پسر و دختر با هم و معاشرت‌های کنترل نشده آنان می‌دهد و از طرفی تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و برای هر یک از دو جنس، تکلیف‌ها و مقرراتی معین نموده است.

به عنوان نمونه، قرآن کریم می‌فرماید:

به مردان بگو چشم‌ها از نگاه ناروا باز دارند و اندام خود را پوشیده دارند و به زنان نیز

بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا باز دارند و اندام خود را بپوشند». (نور، آیه ۳۱)

آیین ما از ما می‌خواهد که اندیشه‌مان را هوس‌آلود نکنیم، خیال‌گناه را در ذهن خود نپروریم، به نامحرمان خیره نشویم و دزدانه نگاه نکنیم، به قصد لذت‌های جنسی به نامحرمی ننگریم و با چنین قصدی به معاشرت‌های اجتماعی قدم نگذاریم.

د) در گفتار

شنیدن صدای دختر برای پسر، در صورتی که قصد یا خوف لذت‌بردن و خوش‌آمدن در کار نباشد، اشکالی ندارد. در عین حال، بر اساس همان اصل «روابط حدّ اقل» که گفتیم، مادام که ضرورتی در کار نباشد، ترک آن، عاقلانه‌تر است.

برای دختر، شایسته نیست که در سخن گفتن با پسری، صدای خود را نازک کند و به نحوی با عشو و اطوار، سخن بگوید. خدای متعال در قرآن، به زنان می‌فرماید: «در حرف زدن، صدا را نازک و مهیج نکنید که موجب طمع بیماردلان گردد» و امام علی علیه السلام می‌فرمود:

به دختران جوان، سلام نمی‌کنم که مبادا پاسخ آنها دلم را به لغزش افکند» .

ه) در رفتار

احتیاط‌ها و توصیه‌های دین مبین اسلام، مبنی بر دور نگه‌داشتن و فاصله داشتن دختران و پسران نامحرم از یکدیگر، صرفاً به خاطر حفظ سلامت روحی اجتماع و پاکی خانواده و عزت و شرف و تعالی آحاد شهروندان است تا حتی برای لحظه‌ای، فکر آلوده به ذهن پسر و دختر عفیف، راه نیابد و افکار آنها مشغول به مسائلی که وقت آن نرسیده است، نشود.

روح جوان، فوق‌العاده تحریک‌پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک‌پذیری روح انسان، محدود به حدّ خاصی است و پس از آن، آرام می‌گیرد. همان قدر که انسان از رسیدن به جاه و مقام و ثروت سیر نمی‌شود، در میل جنسی نیز چنین است.

در محیط‌های آزاد و باز، هیچ پسری از تصاحب زیبارویان و هیچ دختری از متوجه کردن پسران به خود و تصاحب قلب آنان سیر نمی‌شود. از طرفی، هوس، در هیچ نقطه‌ای توقف نمی‌کند و تقاضای نامحدود انسان، خواه ناخواه، انجام ناشدنی است و امکان برآوردن همه خواسته‌ها هیچ‌گاه برای بشر، میسر نیست.

دست نیافتن به آرزوها و هوس‌ها، در جای خود، منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد. به محیط‌هایی که بی‌بند و باری در آنها زیاد است، بنگرید. خواهید دید که در آن محیط‌ها، آمار بیماری‌های روانی و مشکلات روحی، بالاست. شاید مهم‌ترین علت، همین آزادی جنسی و تحریکات فراوان روانی است که به وسیله عکس‌ها، مجلات، فیلم‌ها و سی‌دی‌ها و محافل مختلط تفریحی و حتی در کوچه و خیابان و تبلیغات کالاها و مدها و... دامن زده می‌شود و غالباً بی‌پاسخ می‌ماند؛ چرا که تخلیه جسم و روان از این هیجان‌نازاینده، عملاً ممکن نیست و بدین ترتیب، پیری زودرس و روان‌پریشی و اختلالات روحی دیگر، پیامدهای طبیعی آن فضا هستند.

آیا پوشش دختران، مانع رشد آنها نیست؟

پوشش مطلوب اسلام (بدون آن که بر نوع خاصی از پوشش، اصرار بورزیم)، برای دختر، مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی و یا اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیست. آنچه موجب به‌هم ریختگی جامعه و فلج شدن نیروهای فعال اجتماع می‌گردد، آلوده‌شدن محیط کار و تحصیل و... با آزاد گذاشتن لذت‌جویی‌ها و چشم‌چرانی‌های مردان و میدان دادن به عشوه‌گری‌ها و خودنمایی‌های دختران در محیط عمومی است.

اگر در محیط‌های تحصیلی، دختران، بدن خود را بپوشانند و هیچ‌گونه آرایشی نداشته باشند، بهتر درس می‌خوانند، فکر می‌کنند و به سخن استادگوش می‌دهند، یا وقتی که در کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده و با وضع نامتناسب (با کلاس و درس)، نشست‌ه باشد؟ انصافاً کدام روش، التهاب را در دختران و پسران، کاهش می‌دهد و به نفع آنهاست؟ و عقل، کدام را تصدیق می‌کند؟

آیا اگر پسران ما در خیابان و کوچه و بازار و مدرسه و اداره و کارخانه و... با رفتارهای فریبنده و سخنان و وعده‌های شعارگونه و غیر واقعی، دائماً در صدد یافتن دختران پاک و ساده و صمیمی جامعه باشند و هر بار، با فرو نشستن عشق‌های سطحی و خامشان به دیگری رو کنند، آرامش و امنیتی برای دختران ما خواهد ماند؟

به تجربه ثابت شده است که هر محیطی که در آن، پوشش صحیح و حریم خصوصی افراد رعایت شده، در آن‌جا، پسرها و دخترها هم احساس آرامش بیشتری داشته‌اند و در کار و تحصیل، موفق‌تر بوده‌اند.

عفاف، مصونیت است

تقریباً در تمامی فرهنگ‌ها و جوامع، دختر، هر اندازه متین‌تر و با وقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را پوشیده‌تر نگه دارد و کم‌تر در معرض تماشای بیگانگان قرار گیرد، بیشتر مورد احترام و ارزش پسر است. حتی افراد بی‌بندبار هم هنگامی که سر عقل می‌آیند و می‌خواهند تشکیل خانواده بدهند، برای گزینش همسر، به دنبال دختری پاک و عقیف که تا قبل از آن با هیچ پسری رابطه نداشته باشد، می‌گردند.

اصولاً افراد پاک و عقیف که به عفاف، شناخته شده‌اند، از دسترس آزاد افراد منحرف و آلوده، به دور هستند. قرآن می‌فرماید: «رعایت حریم عفاف (در روابط اجتماعی) از سوی زنان، برای این است که به عفاف و پاکی شناخته شوند و از آزار و اذیت بیماردلان، به دور باشند». (احزاب، آیه ۵۹)

خودنمایی یا عرضه کردن خود به نامحرمان، از عزت و شکوه دختران می‌کاهد و علاوه بر آن‌که زمینه را برای نفوذ افراد آلوده و ارتباط با آنان فراهم می‌سازد، پسران جوان را که باید مظهر اراده و فعالیت و شجاعت و مردانگی و تصمیم باشند، به افرادی هوسباز، چشم‌چران و لوده و بی‌اراده و ضعیف، تبدیل می‌کنند.

البته اگر دختران در روابط اجتماعی خود در اجتماعات عمومی لباس ساده بپوشند، کفش ساده به پا کنند و با چادر یا مانتو و روسری مناسب به مدرسه و دانشگاه بروند، قطعاً خودشان هم آرامش روانی بیشتری خواهند داشت و بهتر درس می‌خوانند.

چه قدر خوب است که دختر جوان مسلمان، در اجتماع، آن‌چنان رفتار کند که علائم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از او هویدا باشد و به این صفات، شناخته شود. تنها در این صورت است که بیماردلان (که به دنبال شکار می‌گردند) از او مأیوس می‌شوند.

این، تقریباً یک اصل همیشگی است که پسران هوسران، به دنبال دختران جلف و سبک سر و خودنما می‌گردند. این‌گونه دختران، گویی وضع لباس و پوشش، راه رفتن و سخن گفتنشان، معنادار است.

روابط دختر و پسر از نظر اسلام چگونه است؟

صحبت کردن مرد با زن نامحرم اگر با قصد لذت و شهوت نباشد، مانعی ندارد، ولی روابط دختر و پسری که نامحرم هستند و نگاه کردن یا صحبت نمودن آنها با قصد لذت یا خوف گناه جایز نیست. چنان که توقف نمودن و خلوت کردن آن‌ها در محیطی که محل رفت و آمد نیست، حرام می‌باشد، اگر چه با نگاه کردن یا صحبت التذازی (لذت‌آور شهوانی) همراه نباشد. واقعیت آن است که گزینه جنسی از نیرومندترین غرایز در وجود انسان است که بسیاری از رفتارهای آدمی را شکل می‌دهد و به گونه‌های مختلف ظهور و بروز دارد. اسلام که یک مکتب جامع است و می‌خواهد مردان و زنان مسلمان، از یک طرف روحی آرام و اعصابی سالم و چشم و گوشی پاک داشته باشند تا بتوانند قله‌های رفیع انسانی و رستگاری را فتح نمایند و از طرف دیگر به نیازهای غریزی و فطری خود نیز دست یابند، با حساسیت ویژه، اما واقع بینانه و لحاظ کردن طبیعت و امیال درونی و خواسته‌های نفسانی، قوانین و احکامی را جهت حفظ و نگه‌داری فرد و جامعه در خط اعتدال و میانه روی وضع کرده، از جمله آن احکام، چگونگی ارتباط با جنس مخالف است. اینها همه به سبب این است که اسلام از جانب خدا برای هدایت انسان‌ها فرستاده شده که خالق فطرت و غریزه با تمامی استعدادهای بهینه و ذخیره شده در انسان است. بنابراین هر عاملی که موجب تحریک انگیزه‌های شهوانی در جامعه گردد و به آرامش روحی و روانی و عفت عمومی، صدمه وارد کند، مورد تأیید اسلام نیست.

وقتی مشکلات روابط نامطلوب برخی از پسران و دختران ریشه‌یابی می‌شوند، غالب آنها از نگاه و سخن‌های کوتاه و کنترل نشده آغاز می‌شوند که همین موارد کوچک اگر مورد بی‌توجهی واقع شوند و ادامه یابند، سر از مشکلاتی بزرگ در می‌آورند.

در نگاه خود به زندگی بایستی عاقبت کارها را بنگریم و از زندگی دیگران عبرت بگیریم و به این نکته برسیم که: چه بسا لذت‌های کوتاه که رنج‌های طولانی به ارمغان می‌آورد

چرا دختران و پسران با یکدیگر دوست می‌شوند؟ آیا از کمبود محبت است یا دلیل دیگری دارد؟

بسیاری از دوستی‌های دختران و پسران در جامعه ما، دارای کارکرد روانی اجتماعی است، یعنی دختران و پسران به دنبال یافتن یک پایگاه روانی و اجتماعی مطمئن هستند. دختران و پسران که به نوعی از وضع روانی و اجتماعی خویش ناراضی‌اند و خود را سرگردان و آشفته می‌یابند، از طریق برقراری روابط با جنس مخالف، در صدد کسب رضایت و کفایت اجتماعی‌اند. پسران، داشتن دوست دختر را یک قدرت فردی و اجتماعی و دختران، داشتن دوست پسر را یک جاذبه فردی و اجتماعی برای خود تلقی می‌کنند. از این رو می‌توان گفت در افرادی که درون خانواده از نظر عاطفی و احساسی ارضا نمی‌شوند و کمبود محبت دارند، انگیزه برای برقراری چنین ارتباط‌هایی بیشتر است. در عین حال که ایمان و اعتقاد به خداوند و نیروی درونی یعنی حیا مانع ارتباط ناسالم است، پس کسانی که فاقد این نیروی درونی‌اند، برای برقراری ارتباط مانعی نمی‌بینند.

در عین حال، این مسئله تا اندازه‌ای با گزینه طبیعی انسان نیز ارتباط دارد. به طور طبیعی کشش و جاذبه بین جنس زن و مرد وجود دارد، که یکی از حکمت‌های الهی است که بنیان ازدواج و کانون خانواده نیز بر اساس آن شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد، اما آنچه که این گزینه طبیعی را از مسیر صحیح منحرف می‌کند، دوستی‌های خیابانی و دل سپردن به کسانی است که شناخت و آگاهی درستی از آنها در دست نیست و در بسیاری از اوقات نیز به ارتباط غلط و حتی نامشروع منجر شده، یا حتی اگر به ازدواج ختم شود، ازدواج‌های چندان موفق نخواهد بود.

دختران و پسرانی که به طریق غیر مشروع با فردی از جنس مخالف، رابطه‌ی دوستانه برقرار می‌کنند، از جهات مختلف، آسیب می‌بینند. آسیب‌ها هرچند متوجه دختر و پسر است، اما دامنه و شدت آن برای دختر بیش‌تر است.

آسیب‌های بی‌حد و حصر روابط پسر و دختر عبارتند از:

۱. سرکوب شدن استعدادها

یکی از مهم‌ترین عواملی که با وجود رشد نیروهای جسمی، فکری و روحی نوجوان، مانع از به جریان افتادن صحیح و اصولی آنها و تأمین سعادت آینده او می‌شود، تسلط میل جنسی بر وجودش می‌باشد. عدم کنترل این میل، سبب می‌شود که تمام حواس و توجهات انسان و تمام قوای جسمی و مغزی او معطوف هوس‌بازی‌ها شود و اگر عملاً هم موفق به هوس‌بازی نگردد، تمام فکر و ذهن او به وسیله این خیالات و افکار، اشغال شده و او مجالی برای انجام کار دیگری و شکوفایی اندیشه و استعدادش پیدا نمی‌کند. این شعله‌ای که در سراسر وجودش زبانه می‌کشد، تمام‌تر و خشک‌تر را با هم می‌سوزاند و شکوفه‌های تازه دمیده در گلزار شخصیت معنوی‌اش را طعمه آتش سوزان می‌کند.

اظهار محبت به جنس مخالف از جمله همین موارد است که با یک سلام و احوال‌پرسی ساده آغاز می‌شود و یا به انگیزه اهداف آموزشی و غیره شروع می‌شود؛ ولی به تدریج، نوع رابطه و گفت‌وگو تغییر پیدا کرده، بر میزان و کمیت آن نیز افزوده می‌شود.

و تا آن جا پیش می‌رود که انسان تمام انرژی عاطفی خود را می‌خواهد در همین گفت‌وگوها و ارتباط‌ها هزینه کند و هرگز به همان حداقلی که در روزهای اول داشته، اکتفا نمی‌کند و بر همین اساس است که از همان آغاز، باید از ایجاد ارتباط عاطفی و مبتنی بر احساسات، اجتناب کرد.

بنابراین، برای اظهار محبت به جنس مخالف (چه منشأ سوء تفاهم بشود و چه سوء تفاهمی را به دنبال نداشته باشد)، دلیل موجه و قابل قبولی را نمی‌شناسیم و در واقع، اگر هم باعث سوء تفاهم نشود، باعث سوء رفتار می‌شود و به تدریج، دو طرف در گردونه‌ای وارد می‌شوند که چه بسا هیچ کدام خواستار آن نبودند؛ گردونه‌ای که گاهی رهایی از آن، مستلزم هزینه کردن تمام انرژی روانی و جسمانی فرد و قرار گرفتن در بن‌بست شدید است. لازم به ذکر است که این سخن، یک ادعای صرف و بدون پشتوانه و دلیل نیست؛ بلکه مراکز مشاوره در سطح مدارس فعالیت می‌کنند، روزی نیست که نامه‌ای از جوانی که در چنین دامی قرار گرفته دریافت نکند.

جالب این است که تقاضای کمک و فریادرسی از افرادی است که معمولاً در ابتدای کار، به خود مطمئن بوده‌اند و تصمیم جدی‌شان آن بوده که وارد ارتباط احساسی و غیرمعقول و از نظر اخلاقی غیرصحیح، نشوند و تنها می‌خواستند در حد ارتباط عادی و یا به قولی یک سلام و احوال‌پرسی و یا اظهار محبت باطنی با طرف مقابل داشته باشند.

۲. افت تحصیلی یا رکود علمی

این گونه روابط، باعث می‌شوند که دو طرف تمام فکر و توجه و تمرکز خود را صرف دیدارها و ملاقات‌های حضوری و تلفنی خود کنند و این بزرگ‌ترین مانع برای رشد و ترقی علمی است؛ زیرا تحصیل دانش، نیازمند تمرکز نیروهای فکری و روحی است.

دل‌مشغولی و اضطرابی که بر اثر این گونه پیوندها پدید می‌آید، بزرگ‌ترین سد راه تعالی علمی و تحصیلی است؛ از این رو، مشاوران مدارس و دانشگاه‌ها توصیه می‌کنند که هنگام تحصیل و امتحانات، مراسم خواستگاری و عقد را به تأخیر اندازند؛ تا افراد بتوانند با تمرکز و آسودگی خیال، در انجام تکالیف درسی و امتحانات موفق شوند؛ چه رسد به روابط فرصت‌سوز مستمری که بسیار انرژی‌سوز است.

مطالعه و درس، در زندگی هر انسانی، به ویژه در دوران دانش‌آموزی، از مهم‌ترین عوامل سازنده شخصیت وی می‌باشد که فدا کردن آن به خاطر تن دادن به دوستی‌های احساسی و غیرآگاهانه و پاسخ‌گویی به خواست‌های تمام نشدنی هوس و میدان دادن به میل جنسی، خطایی نابخشودنی و شکستی بزرگ و رسوا کننده است. تجربه نشان داده که این نوجوانان و جوانان، به علت پریشانی افکار و حواس‌پرتی، ذوق درس خواندن و اشتیاق هر گونه مطالعه‌ای را - اعم از کتاب‌های درسی و غیر درسی - به کلی از دست می‌دهند.

اگر زندگی بزرگان، شخصیت‌های علمی، محققین، نوایغ و دانشمندان و متفکرین را مورد مطالعه قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که همه آنان افرادی بوده‌اند که از خوش‌گذرانی‌ها و هوس‌بازی خود را کنار کشیده‌اند و احتیاجات جسمی و غریزی خود را از طریق مشروع و معقول و در حد اعتدال، برآورده‌اند.

دروغ بزرگی است اگر کسی بگوید: میل جنسی، سراسر وجودش را گرفته و ذهن و زبان او را دوستی‌های نامطلوب با جنس مخالف پر ساخته، اما از نظر درس، مطالعه و تحقیقات علمی، لطمه اساسی بر او وارد نشده است و به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی، تحقق چنین امری، از محالات است.

«با شکل‌گیری روابط عاطفی بین دختر و پسر و افزایش تدریجی آن، زمینه وابستگی آنها به یکدیگر و تشدید آن فراهم می‌شود و از آن جا که نیاز به محبت ورزیدن و مورد محبت واقع شدن، در دوران جوانی، به اوج خود می‌رسد و فضای نسبتاً مناسبی برای ارضای این نیاز (هر چند به طور غیرصریح آن) در محیط آموزشی و دانشگاهی وجود دارد، به شکل خودکار، دختر و پسر در این مسیر قرار می‌گیرند، در اکثر موارد، به طور ناگهانی و بدون توجه به نتیجه کار،

گرفتار چنین گردابی می‌شوند و آن را با عنوان‌های عرف پسند و موجه، پوشش می‌دهند و باطن غیرموجه آن را با ظاهری نیکو و پسندیده، جلوه‌گر می‌نمایند.

به این ترتیب، علاقه ابتدایی شدت یافته، با وجود تصمیم اولیه دو طرف یا یکی از آنها، کم کم به وابستگی به یکدیگر تبدیل می‌شود. این وابستگی، در بسیاری موارد - شاید در تمام موارد - آفت بزرگی برای تمرکز حواس، تحصیل و تفکر عمیق در امور درسی آنها می‌شود؛ به گونه‌ای که گاهی مطالعه و حضور در کلاس درس را غیرممکن می‌سازد و هر کدام از آنها در تمام اوقات شبانه‌روز و حتی در کلاس درس، در فکر طرف مقابل است. این سخن، ادعای بدون پشتوانه‌ای نیست و اگر به نوشته‌های چنین افرادی مراجعه کنیم، مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود.

۳. ایجاد جو بدبینی

اغلب این گونه دوستی‌ها و روابط، به ازدواج منتهی نمی‌شود و اگر هم به ازدواج بینجامد، پس از مدتی، جو بدبینی و سوء ظن آن دو نسبت به هم، فضای زندگی‌شان را، جهنمی خواهد ساخت و هر دو در آن خواهند سوخت.

«بر اساس یک یافته پژوهشی در آمریکا، زوج‌هایی که پیش از ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کنند، زندگی زناشویی آنها با مشکلات فراوانی رو به رو است و منجر به طلاق می‌شود. به گزارش ایسنا، دکتر «کاترین کوهان»، استاد دانشگاه ایالت پنسیلوانیا گفت: طبق آخرین تحقیقات، افرادی که پیش از ازدواج با یکدیگر رابطه داشته‌اند، بعد از ازدواج، در حل مشکلات خود عاجزند؛ زیرا که نسبت به یکدیگر بسیار بدبین هستند. کوهان گفت: طبیعت ارتباطات آزاد، این است که زوجین چندان انگیزه‌ای برای حل درگیری‌ها و حمایت از مهارت‌های خود ندارند. وی افزود: به نظر می‌رسد ارتباطات این افراد، زودتر از افرادی که با یکدیگر دوست نبوده‌اند، سرد و منجر به طلاق می‌شود. وی در پایان گفت: می‌توانم بگویم رابطه قبل از ازدواج، به هیچ وجه، سبب دوام زندگی زناشویی نمی‌شود».

عشق الهی، رام‌کننده است و عشق مجازی و شهوی، انسان را وحشی می‌کند.

عشق الهی، صبرآور است و عشق مجازی، صبرشکن است.

عشق الهی، نیروزاست و عشق مجازی، نیروبر است.

عشق الهی، خودخواهی‌بر است و عشق مجازی، خودخواهی‌زاست.

عشق الهی، شادی‌آور است و عشق مجازی، غم‌افزاست.

عشق الهی، سریان دارد و عاشق الهی، همه پدیده‌های عالم را جلوه خدا می‌داند و به همه

عشق می‌ورزد. عشق مجازی، عشق به خواسته‌های نفسانی خود است.

عاشق خدا، از فراق و یاد او، لذت می‌برد. عاشق غیر خدا، فقط با وصال دل خوش است و فراق، برایش رنج‌آور است.

۴. اضطراب، تشویش و احساس نگرانی

در دوستی‌های موجود بین دختران و پسران، از آن جا که مقاومتی بسیار قوی از طرف پدر و مادر یا جامعه برای ممانعت از برقراری این دوستی‌ها وجود دارد، این گونه دوستی‌ها، با مخاطرات روانی گوناگونی، مانند اضطراب و تشویش همراه است. وجود افکار دیگری چون احساس گناه، نگرانی از تهدیداتی که توسط پسر، برای فاش کردن روابطش با دختر صورت می‌گیرد، یک تعارض درونی و اضطراب مستمر را به دنبال دارد. بنابراین، وجود چنین دلهره‌ها و اضطراب‌هایی که گاهی لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر جسم و روان انسان وارد می‌کند، از آسیب‌های جدی این گونه روابط است. همچنین هیجان‌ناکاذب، مثل خیال ازدواج، خوش‌بختی و در نتیجه، شکست روحی، قربانی شدن دختران به خاطر از بین رفتن آبروی آنها و خانواده‌شان و حتی اقدام به خودکشی از دیگر آسیب‌های این نوع ارتباط است.

۵. فقدان شناخت درست و واقع‌بینانه

کسانی که مدعی‌اند که این گونه روابط و دوستی‌ها با انگیزه ازدواج شکل می‌گیرد، با کمی دقت، در خواهند یافت که روح حاکم بر این گونه دوستی‌ها، عاقلانه و از سر اندیشه نیست؛ بلکه در آغاز و یا پس از مدتی، تنها عامل ادامه روابط، میل و کشش جنسی خواهد بود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «حُبُّ الشَّيْءِ يُغْمِي وَ يُصِمُّ؛ دوست داشتن چیزی [آن هم ناآگاهانه و از سر هیجان و احساسات]، انسان را کور و کر می‌کند».

«وابستگی‌هایی که بین دختر و پسر ایجاد می‌شود، مانع‌گزینش صحیح و دقیق برای شریک آینده زندگی می‌شود و از آن جا که دختر یا پسر به فردی خاص وابسته شده، تمام نیکی‌ها، خوبی‌ها، زیبایی‌ها را در فرد مورد علاقه خود می‌بیند و دیگر توان مشاهده عیوب احتمالی طرف مقابل را ندارد؛ زیرا از روی علاقه و از پشت عینک وابستگی، به طرف مقابل نگاه می‌کند؛ نه با نگاه خریدار و نه با نگاه نقادانه و بررسی‌کننده‌ای که تمام نقاط ضعف و قوت او را در ترازوی حقیقت بین، مورد دقت و مشاهده قرار دهد»

دوستی و ارتباط احساسی و غیرعاقلانه قبل از ازدواج، راه عقل را مسدود و چشم واقع‌بین انسان را کور می‌سازد و اجازه نمی‌دهد تا یک تصمیم صحیح و پیراسته از اشتباه گرفته شود.

این نوع انتخاب‌ها که در فضایی آکنده از احساسات و عواطف انجام می‌گیرد، به دلیل نبود شناخت عمیق و واقع بینانه، اگر هم به ازدواج منتهی گردد، زندگی مشترک را تلخ و آینده را تیره و تار می‌سازد.

۶. محرومیت از ازدواج پاک

هر انسانی در سرشت و نهاد خویش، به دنبال پاکی و نجابت است. دخترانی که در پی روابط آلوده هستند، در حقیقت، پشت پا به سرنوشت خود زده اند و این امر، باعث می‌شود که آنان به جرم آلودگی به این روابط، شرایط ازدواج پاک را از دست بدهند و اگر به وسیله این گونه روابط ناسالم، در ازدواج پسران نیز تأخیر ایجاد شود دختران بیش از پسران، در معرض این آسیب قرار می‌گیرند.

«روابط دختر و پسر، بیش از آن که مفید باشد، تهدید کننده نهاد خانواده در جامعه به شمار می‌آید. با نگاهی به آمار می‌توان دید که آمار طلاق در بین کسانی که قبل از ازدواج، ارتباط‌های دوستانه داشته‌اند، بالاتر است. از طرفی آشنایی و ارتباط دختر و پسر در محیط اجتماع، بیشتر از آن که معرفت‌ساز باشد، فروزنده هوس‌ها و معرفت‌سوز است. عمدتاً دیده می‌شود فرد آن گونه که هست، خود را نشان نمی‌دهد یا به سبب محبت و عشقی که ایجاد شده، نمی‌تواند عیوب طرف مقابل و جوانب مختلف قضیه را بسنجد. بیشتر رفتارها در آشنایی‌های خیابانی به شکل‌های تصنعی ابراز می‌شود».

در این خصوص به چند پرسش اساسی زیر اشاره می‌شود:

۱. یک رابطه و پیوند مطلوب، چه ویژگی‌هایی دارد؟
۲. آیا روابطی که بر پایه هوسرانی‌ها و سرگرمی‌های زودگذر است، می‌تواند روابطی پایا و پویا باشد؟
۳. آیا هر انسانی با هر صفت و ویژگی، شایسته ارتباط و دوستی است؟
۴. آیا پسندیده نیست که انسان، سرمایه عشق و محبت خود را برای زندگی آینده خویش پس‌انداز کند؟

۷. عدم استقبال از تشکیل کانون خانواده

این گونه روابط و دوستی‌ها، معمولاً به انگیزه تفریح و سرگرمی شکل می‌گیرد و در خلال آن از خودباوری و زودباوری دختران، سوء استفاده می‌شود. متأسفانه در بسیاری از موارد، تفاوت عشق و هوس، دیده نمی‌شود. عشق حقیقی و پاک، با هوس‌های آلوده و زودگذر، تفاوت جوهری دارد. برخی از این روابط که مبتنی بر هوسرانی و سرگرمی است، پس از مدتی، رو به

سردی و افول می‌نهد. جاذبه و دل‌ربایی‌ها، مربوط به روزها و ماه‌های اول دوستی است؛ ولی دیری نمی‌پاید که این روابط، عادی شده، به جدایی می‌کشد. حس تنوع‌طلبی انسان از یک طرف و فقدان عامل بازدارنده از طرف دیگر، باعث می‌شود که برخی سراغ ازدواج و تشکیل خانواده نروند. جامعه‌ای که از تشکیل کانون خانواده استقبال نکند، هیچ گونه ضمانتی برای رشد و شکوفایی فضایل انسانی در آن وجود ندارد. اغلب خوبی‌ها و کمالات والای انسانی، در پرتو تشکیل خانواده‌ای سالم، به فعلیت می‌رسد.

۸. کم‌رنگ شدن ارزش‌های مکتبی و فرهنگ اصیل ایرانی

غرق شدن جوانان در عشق‌های آن چنانی و دوستی‌های ناباب، نتیجه اش دوری از معنویات و از دست رفتن ارزش‌های انسانی و الهی است که، نتیجه‌اش نابودی سرمایه‌های انسانی و بهترین فرصت برای رواج فرهنگ بی‌خدایی و ابتذال غرب و تسلط دشمنان دیرین اسلام و قرآن در کشور است. آیا تجربه کشور اندلس اسلامی که جوانان را از راه فساد و فحشا، از ارزش‌های الهی و انسانی تهی کردند و توانستند شکست را برآنان تحمیل کنند، برای ما کافی نیست؟ آیا می‌دانیم که چرا دنیای بی‌خدای غرب و آمریکا، برای رواج ابتذال و تهی‌سازی جوانان از ارزش‌های دینی هزینه‌های نجومی می‌کند؟

۹. انحطاط اخلاقی

شکل‌گیری شخصیت انسان، تابع نوع رفتار کسانی است که با آنها رفت و آمد دارد. بنابراین، نوع دوست در تعیین سرنوشت و ساختن حقیقت انسان، بسیار مهم است. ریشه بسیاری از مفاسد اخلاقی از همین دوستی‌ها و روابط، ناشی می‌شود که سبب سقوط انسان در گناه و معصیت می‌گردد. ما نمونه بارز آن را در جوامع غربی شاهدیم. طبق آمار، در دهه ۱۹۹۰، از هر سه کودک آمریکایی، یکی نامشروع بوده است و از همین روست که انحطاط اخلاقی در غرب، باعث نگرانی شده است.

دوستی‌ها و روابط نامطلوب دختران و پسران، بزرگ‌ترین مانع رشد و کمال انسانی است. دوستی‌های غیر صحیح، باعث می‌گردد که دختران و پسران به صورت ابزاری درآیند که هر روز، تغییراتی در آرایش، پوشش، حرکات و... داشته باشند و این، چیزی جز مشغول شدن به کارهای بی‌ارزش و دور شدن از هدف اصلی و شناخت خود و شکوفایی خلاقیت‌ها و عقب ماندن از قله کمال نیست. در این صورت، انسان به دنبال خواسته‌های دیگران است و خودش را فراموش می‌کند.

در آستانه بلوغ، شرم و حیا در هر نوجوان عفیفی، مانع از این است که او به طرف مسائل غریزی تنزل کند و با وجود این که در این دوران، هورمون‌های جنسی شخص را تحریک می‌کنند و به جنس مخالف متمایل می‌کنند، اما به جهت همان حجب و حیای فطری، فرد به نوعی احساس حقارت می‌کند. شخصیت‌های بزرگ و چهره‌های ماندگار، کسانی بوده‌اند که با پاکی و تقوا زیسته‌اند و هرگز عظمت روحی و شخصیت معنوی خود را در قربانگاه نفس و شهوات، ذبح نکرده‌اند؛ اما افسوس که برخی از نوجوانان و جوانان، به جهت ضعف اراده و فقدان تجربه و اطلاعات لازم و یا انحطاط و آلودگی محیط زندگی خود و اطرافیان، با تسلیم شدن در برابر طوفان غرایز و شهوات، آن پاکی و معصومیت فطری و ذاتی خویش را از دست می‌دهند و راه تکامل و سعادت ابدی را به روی خود می‌بندند.

اگر از دیدگاه قرآن کریم، انسان را تعریف کنیم، در خواهیم یافت که روابط دختر و پسر، با عظمت و بزرگی انسان، سازگار نیست.

امام علی علیه السلام به فرزندش امام مجتبی علیه السلام فرمود: «نفس خویش را عزیز بشمار و به هیچ پستی و دنائتی، تن مده؛ گرچه عمل پست، تو را به لذت برساند؛ زیرا هیچ چیز با شرافت نفس، برابری نمی‌کند و [به جای عزت از دست داده] عوضی همانند آن نصیبت نخواهد شد و بنده دیگران نباش که خداوند، تو را آزاد آفریده است».

همچنین فرمود: «کسی که نفس شرافتمند و باعزتی دارد، هرگز آن را با پلیدی گناه، خوار و پست نخواهد کرد».

امام علی علیه السلام می‌فرماید: درد تو، در توست و درمان تو نیز در خود توست. تو گمان می‌بری که موجود ضعیفی هستی؛ حال آن که راز جهانی بزرگ، در کتاب وجود توست».

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند، تمام کارهای مؤمن را به خود او واگذار کرده، ولی به او اختیار نداده که خود را خوار و ذلیل کند».



عشق‌هایی کز پی رنگی بود
عشق نبود، عاقبت ننگی بود
ز آن که عشق مردگان پاینده نیست
ز آن که مرده، سوی ما آینده نیست
عشق زنده در روان و در بصر
هر دمی باشد ز غنچه تازه تر
عشق آن زنده گزین که اوباقی است
کز شراب جان فزایت، ساقی است
عشق آن بگزین که جمله انبیا
یافتند از عشق او کار و کیا
تو مگو ما را بدان شه بار نیست
با کریمان کارها دشوار نیست

۱۰. تهدید، مهم‌ترین سرمایه دختر و پسر

دختران و پسران، تا حدی می‌توانند تشخیص دهند که همسرشان با جنس مخالف ارتباط داشته است یا نه؟ دختران و پسرانی که با گروه مخالف ارتباطی نداشته‌اند، یک حس خوبی دارند که زندگی مشترک را لذت‌بخش‌تر و شیرین‌تر می‌کند؛ اما این حس خوب زنانه و یا مردانه، با روابط عاطفی و غریزی، کشته می‌شود و آن حس پاک، از بین می‌رود و شریک زندگی، برای او تازگی ندارد و آن لذتی را که دو همسر پاک از هم می‌برند، این دو از هم نمی‌برند و این نکته تا حدی برای آن دو قابل درک است.

۱۱. احساس گناه

شکی نیست که ما در جامعه‌ای دینی زندگی می‌کنیم که اکثریت مردم از آموزه‌های دینی و اخلاقی متأثر هستند و به آنها احترام می‌گذارند. گرچه ممکن است هر فردی سال‌های اول زندگی و نسبت به برخی از دستورات دینی، اطلاع دقیقی نداشته باشد، ولی به طور ناخودآگاه و به تدریج، به بسیاری از هنجارهای اخلاقی و اجتماعی جامعه دینی، آگاهی پیدا می‌کند. اظهار محبت و طرح رابطه دوستی با جنس مخالف، از رفتارهایی است که جامعه دینی و ارزشی، آن را نمی‌پسندد و به آن خرده می‌گیرد و اگر اندک دقتی در متون دینی و سخنان رهبران دینی صورت گیرد، روشن می‌شود که ارتباط با جنس مخالف، از چارچوب و قوانینی خاص برخوردار است و آزاد و بدون محدودیت - آن گونه که در جوامع غیردینی شیوع دارد و به عنوان یک ارزش تلقی می‌شود - نیست؛ بلکه نگاه اسلام به این گونه ارتباطها، منفی است و همه به ویژه

جوانانی را که در اوج غریزه جنسی هستند، از ایجاد ارتباط عاطفی و احساسی با جنس مخالف، نهی کرده است.

حال اگر به علت عدم آگاهی، غفلت و یا تغافل، در دوره جوانی، فردی مرتکب چنین رفتاری شد، مدت زمان زیادی نمی‌گذرد که جوان به خود می‌آید و به گذشته خود می‌اندیشد و رفتارهای خود را با ملاک‌ها و معیارهای اخلاقی و شرعی مقایسه کرده و آنها را محک می‌زند و یا با قرار گرفتن در موقعیت‌ها و شرایط زمانی و مکانی معنوی - که بسیار هم پیش می‌آید - دچار پشیمانی شده و اگر نتواند به درستی از این فضای روانی خارج شود، احساس گناه می‌کند و این احساس گناه، منشأ بسیاری از ناگواری‌های روحی و روانی می‌شود. لازم به ذکر است که تجدیدنظر نسبت به اعمال غیرمعمول و غیرمشروع گذشته و پشیمان شدن از آنها و تصمیم بر ترک آنها، امری مقبول و شایسته او بلکه لازم و ضروری است و آن چه به عنوان یک پیامد منفی در این جا از آن یاد می‌شود، آن احساس گناه منفی و شدیدی است که بر فضای فکری فرد حاکم شده، توان خارج شدن از آن را در خود نمی‌بیند و همراه با یأس و ناامیدی مطلق است و توان حرکت به سوی اصلاح و تغییر رفتار را از شخص می‌گیرد. نکته قابل توجه آن است که آسیب‌پذیری جوانانی که به ارزش‌های دینی و اخلاقی احترام می‌گذارند و به آنها پای‌بند هستند، بیشتر است و آنان به خاطر آشنایی بیشتری که با دستورات دینی و اخلاقی دارند، بیشتر در معرض احساس گناه شدید و پیامدهای منفی آن قرار می‌گیرند.

۱۲- آسیب روانی:

دختری که به پسری علاقه‌مند شده و روابطی بین شان برقرار می‌شود، پس از بی‌وفایی پسر و ترک وی، به شدت دچار سرخوردگی گردیده و گاهی تا مرز افسردگی و بیماری‌های شدید روانی پیش می‌رود.

۱۳- آسیب‌های اجتماعی:

دختری که در شهری کوچک با پسری ارتباط دارد، جایگاه و شخصیت اجتماعی خود را از دست می‌دهد و تحقیر می‌شود، حتی اگر ازدواج کند، نمی‌تواند زندگی متعادلی داشته باشد، زیرا از طرف همسر و خانواده شوهر سرزنش می‌شود و به هر بهانه‌ای، روابط قبلی وی را به رخ می‌کشند. این پدیده می‌تواند تهدیدی برای نهاد خانواده در جامعه و افزایش میزان طلاق باشد.

۱۴- آسیب تربیتی:

دختری که به عنوان فردی رابطه‌دار با چند پسر، معرفی می‌شود، جایگاه خود را به عنوان فردی شایسته برای تربیت، در ذهن اولیای خانه و مدرسه و حتی دوستانش از دست می‌دهد. چنین دختری از سیر تعلیم و تربیت به دور می‌ماند. پدر و مادر او را مایه آبروریزی خانواده می‌دانند و ترجیح می‌دهند وی را در خانه نگهداری کنند.

۱۵- آسیب معنوی:

دختری که به صورت نامشروع با پسری رابطه دارد، با گناه و معصیت، از خداوند دور شده و از نظر اخلاقی سقوط می‌کند. او دیگر از عبادت خود لذت نمی‌برد و احساس گناه و ملامت درون، روح او را آزار می‌دهد، مگر آن که توبه کند و راه پاکی را پیشه سازد.

۱۶- بیماری‌های روانی و نا امنی:

کاپلان و سادوک دو روان‌شناس غربی که کتاب‌هایشان منبع و مرجع اصلی روان‌پزشکان در دنیا است، حدود ۹۴ بیماری روان‌تنی را فهرست کرده‌اند که نتیجه‌ی روابط بی‌حد و حصر بین زن و مرد می‌باشد.

۱۷- دچار هیجان‌ات کاذب شدن، مثل خیال ازدواج، خوشبختی و در نتیجه

شکست روحی

۱۸- مانع رشد و کمال:

دوستی‌های غیر صحیح باعث می‌گردد دختر و پسر به صورت ابزاری در آیند و هر روز، تغییراتی در آرایش، پوشش، حرکات و... داشته باشند که این چیزی جز مشغول شدن به کارهای بی‌ارزش و دور شدن از هدف اصلی و شناخت خود و شکوفایی خلاقیت‌ها و عقب ماندن از قله‌ی کمال نیست. انسان در این صورت به دنبال خواسته‌های دیگران است و خودش را فراموش می‌کند...

و اینجاست که وعده‌ی خدا محقق می‌شود:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (سوره حشر آیه ۱۹)

و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خود فراموشی

کرد آنان همان نافرمانانند.

در ذیل به برخی از آن آثار که در نتیجه روابط آزاد دختر و پسر در جوامع غربی پیدا شده اشاره می‌کنیم:

۱- افزایش روابط جنسی نامشروع: تحقیقات نشان می‌دهد که آمار روابط نامشروع جنسی که ناشی از روابط آزاد دختر و پسر است، در امریکا و در تمامی جامعه‌ی اروپا رو به افزایش است، به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۳ در امریکا ۵۰٪ روابط دختر و پسر به روابط جنسی تبدیل شده است.

۲- آبستنی‌های ناخواسته: آمیزش جنسی نامشروع و افزایش آبستنی‌های غیر رسمی و زود هنگام یکی دیگر از آثار شوم روابط آزاد دختر و پسر است. آندره میشل در این باره می‌نویسد: "بیش از چهل درصد زنان امریکایی که پیش از بیست سالگی ازدواج می‌کنند، به علت روابط آزاد پسر و دختر، قبل از ازدواج حامله هستند. در نروژ ۹۰٪ دخترانی که در سن کمتر از هیجده سال ازدواج می‌کنند، آبستن هستند و در سوئد و آلمان نیز همین مطلب صادق است."

۳- ازدیاد غیر قابل کنترل آمار سقط جنین: متناسب با افزایش نرخ آبستنی‌های ناخواسته، آمار سقط جنین در کشورهای غربی که دختر و پسر پیش از ازدواج روابط آزاد دارند رو به افزایش است. از یک میلیون زن و دختر نوجوانی که هر ساله در امریکا به طور ناخواسته باردار می‌شوند، ۵۳٪ فرزندان خود را سقط می‌کنند. این درحالی است که به علت برخی محدودیت‌ها که بعضی ایالات در مورد سقط جنین وضع کرده‌اند، اکثر سقط‌های جنین گزارش نمی‌شود.

به ادعای یک پزشک امریکایی که در یکی از زایشگاه‌های این کشور مشغول بوده و در مورد مشکلات محل کار خود مقاله‌ای نوشته، در حدود ۴۷٪ از زایمان‌های تحت نظر وی مربوط به موالید نامشروع بوده است. به ادعای وی اکثر موالید، مربوط به زنان پایین‌تر از بیست سال مربوط به روابط آزاد دختر و پسر بوده است.

۴- افزایش خانواده‌های تک والدینی: افزایش شمار وصلت‌های غیر رسمی، کاهش در میزان ازدواج را ترسیم می‌کند که یکی از پیامدهای آن افزایش تعداد خانواده‌های تک والدینی است؛ یعنی خانواده‌هایی که فرزندان در آنها محکومند تنها با یکی از والدین زندگی کنند. آندره میشل می‌گوید: «زندگی فرزندان نامشروع در بیش از ۹۰٪ موارد با مادران است. این گونه مادران که تقریباً از سوی جامعه به ویژه والدین و آشنایان خود طرد می‌شوند، برای گذراندن زندگی با مشکلات شدید اقتصادی و فقر و فلاکت مواجهند.»

۵- روسپیگری: پدیده‌ی شوم روسپیگری به ویژه در بین دختران جوانی که به طور ناخواسته صاحب فرزند نامشروع شده‌اند، در جوامع غربی شایع است، زیرا فرزندان ناخواسته، فرصت‌های اشتغال و تحصیل را از مادران گرفته، آنان ناچارند برای تأمین هزینه‌های زندگی و رهایی از فقر، به هر کاری رو آورند.

۶- گسترش بیماری‌های مقاربتی:

روابط آزاد دختر و پسر، در نتیجه روابط آزاد جنسی، سکوی پرش روسپیگری و افزایش بیماری‌های عفونی و مقاربتی است. در این باره کافی است بدانید که: در هر ۱۳ ثانیه یک نفر در آمریکا به ویروس مهلک بیماری ایدز مبتلا می‌شود. قربانیان این ویروس که عمدتاً از طریق بی‌بند و باری جنسی مبتلا می‌شوند، از این بیماری عفونی هلاک می‌گردند. آنچه ذکر شد، اشاره به برخی پیامدهای روابط آزاد دختر و پسر پیش از ازدواج است. عوارض دیگری چون جنون، عقده‌های روانی، افزایش جنایت و آدم‌کشی از دیگر نتایج آن روابط است.

به این ترتیب روشن شد که چرا اسلام روابط آزاد دختر و پسر و نگاه و صحبت‌های شهوت‌آمیز آنان را که منشأ برای روابط بعدی می‌شود، حرام و ممنوع ساخته است.

دخترم با تو سخن می‌گویم

زندگی درنگهم گلزار است

و تو با قامت چون نیلوفر، شاخه‌ی پر گل این گلزاری

من به چشمان تو یک خرمن گل می‌بینم

گل عفت، گل صدرنگ امید

گل فردای بزرگ

گل فردای سپید

چشم تو آینه‌ی روشن فردای من است

گل چو پژمرده شود جای ندارد در باغ

کس نگیرد ز گل مرده سراغ

دخترم با تو سخن می‌گویم

دیده بگشای و در اندیشه گل چینان باش

همه گل چین گل امروزند

همه هستی سوزند

کس به فردای گل باغ نمی‌اندیشد

آنکه گرد همه گل‌ها به هوس می‌چرخد
 بلبل عاشق نیست
 بلکه گلچین سیه کردار است
 که سراسیمه دود در پی گل‌های لطیف
 تا یکی لحظه به چنگ آرد و ریزد بر خاک
 دست او دشمن باغ است و نگاهش ناپاک
 تو گل شادابی
 به ره باد مرو
 غافل از باد مشو
 ای گل صد پر من
 همه گوهر شکنند
 دیو کی ارزش گوهر داند
 دخترم گوهر من، گوهرم دختر من
 تو که تک گوهر دنیای منی
 دل به لبخند حرامی مسپار دزد را دوست مخوان
 چشم امید به ابلیس مدار
 ای گوهر تابنده بی مانند
 خویش را خار مبین
 آری ای دختر کم
 ای سراپا الماس از حرامی بهراس
 قیمت خود مشکن
 قدر خود را بشناس
 قدر خود را بشناس